



# آذر پیام

۶۷۱

ماهنامه  
سراسری  
کتابخوان



www.azar-payam.ir • ISSN : 2008-1022

سال بیست و سه | شماره ۶۷۱ | مرداد ماه ۱۴۰۲ | ۲۸ صفحه | ۱۰۰ هزار تومان

□ مشروطه شکست ناپذیر | ۴

□ ادبیات مشروطه چه تعهدی به دوران خود داشت؟ | ۶

□ یک گلوه، سهم قلیان شجاع الدوله | ۲۴

## پرونده ویژه هفته بزرگداشت مشروطه؛

### گفتگو با علی مجیدپور کارگردان نمایش «آ شیخ محمد»

# به شیخ گفتم: ما را حمایت کن!



aei

روغن موتورهای

# آتاویل



**5W-30, 5W-40**

**API: SN**

**10W-40**

**API: SM**





### روایتی از هفته بزرگداشت سالروز صدور فرمان مشروطه در تبریز

صفحه ۱۸

### فهرست مطالب

۴ مشروطه شکست ناپذیر

۶ ادبیات مشروطه چه تعهدی به دوران خود داشت؟

۹ اشعار فارسی و ترکی عصر مشروطیت

۱۳ انقلاب مشروطه؛ ریشه اقتصادی داشت

۱۸ روایتی از هفته بزرگداشت سالروز صدور فرمان مشروطه در تبریز

۱۹ مردم صدای تیر ستارخان را می شناختند

گفتگو با علی مجیدپور کارگردان نمایش «آشوخ محمد»

۲۲ به شیخ گفتیم: ما را حمایت کن!

۲۴ یک گلوله، سهم قلیان شجاع الدوله

۲۶ بحران آذربایجان

ماهنامه سراسری / سال ۲۳ / شماره ۶۷۱

صاحب امتیاز: شرکت مطبوعاتی سخن نگاران طوبی

زیر نظر شورای سیاست گذاری

مدیر مسئول و سردبیر: فرهاد باغشمال

مدیر داخلی: زهرا حسین زاده

دبیر سرویس ادبیات: دکتر لیلا حسین نیا

دبیر سرویس تاریخ و فرهنگ: فرشید باغشمال

دبیر سرویس اقتصاد: دکتر احسان اله رضایی

صفحه آرا: مریم ذوقی

هیات تحریریه: نوید ناصر - علی آقایی

حسین وحید رضایی - احسان شامی - مینا نیک رزم

مهسا دشتی - صبا مهدوی - سمیه حسین زاده

لیتوگرافی و چاپ: پرنیان

نشانی دفتر مرکزی: تبریز - شریعتی جنوبی - کوچه ارک

شماره ۲۴ - کد پستی: ۵۱۳۷۸۸۳۵۸۱

تلفن: ۰۴۱-۳۵۵۳۵۳۸

دورنگار: ۰۴۱-۳۵۵۳۴۴۱۶

وب سایت: Tooba-onlin.ir & Azar-payam.ir

ایمیل: Azarpayam@gmail.com

فضای مجازی: @Azar-payam

حق استفاده از مجموعه کامل فونت انجمن با کد

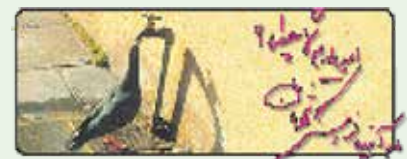
لایسنس XPEBΔK برای ماهنامه آذرپیام محفوظ است.

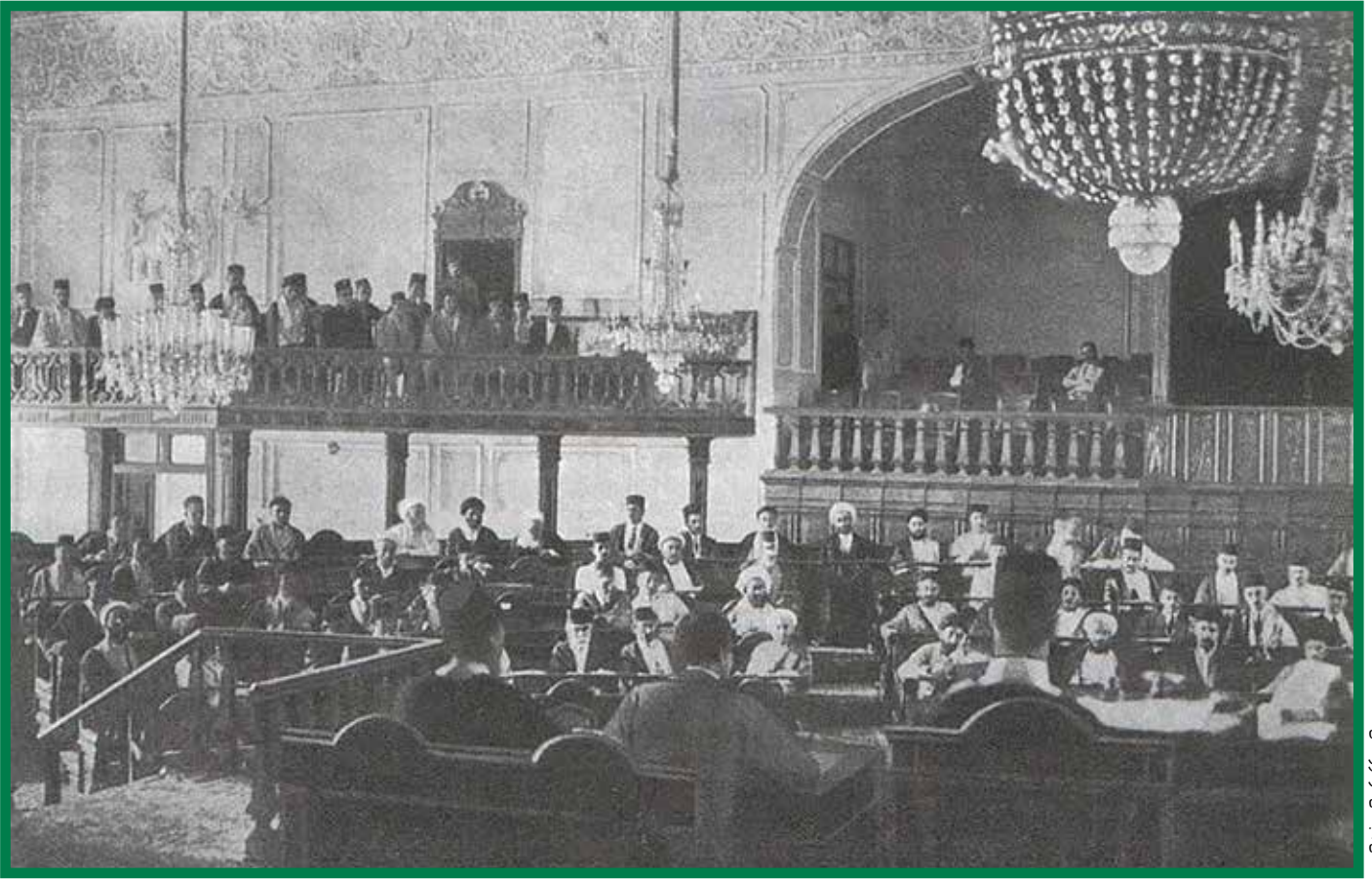
### ترنم



اشعار ترکی و فارسی  
دوران مشروطیت

۹





صحن مجلس در دوره‌های نخست

## مشروطه شکست ناپذیر



فرهاد باغشمالی  
(مدیر مسئول)

حامل شاه انداختند فصل جدیدی پیش روی انقلاب می‌گشاید و او به باغ‌شاه رفته و بریگاد قزاق را به مقابله قانون می‌فرستد. به توپ بستن مجلس همانا و شکست تهران و آغاز استبداد صغیر همان. قیام مردم تبریز و دلآوری مردانی چون علی‌مسیو، ستارخان، باقرخان و حیدرعمواوغلی چنان لرزه‌ای به جان شاه انداخت که از نیکلای دوم روس درخواست یاری نموده و در نتیجه در یوزه‌گی شاه، تبریز به محاصره روس‌ها و دولتی‌ها درمی‌آید. مشروطه بهانه‌ای می‌شود تا انگلیس‌ها نیز در جنوب کشور لنگر بیاندازند و شمال و جنوب کشور به تاراج می‌رود

از مشروطه به تغییر صدارت اعظمی از مشیرالدوله به امین‌السلطان و متعاقبش عدم امضای قانون اساسی ادامه یافت و عاقبت پس از اعتراضات مردمی - به ویژه در تبریز - ناچار دستخطی صادر کرده و قول همراهی با مشروطه را داد.

با توجه به تعجیل در نگارش قانون اساسی مشروطه، مجلس متمم قانون اساسی را تصویب کرد و در آن مفصلاً به تبیین حقوق مردم، اصل تفکیک قوا و اصول مشروطیت پرداخته و محمدعلی شاه در مجلس سوگند وفاداری به قانون سر می‌دهد. درگیری مخالفان مشروطه با بمبی که در کالسکه

فرمان مشروطیت در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ توسط مظفرالدین‌شاه امضا شد و علمای به بست نشسته در حرم عبدالعظیم و همچنین متحصنین در سفارت انگلیس به خانه‌های خود بازگشتند و مجلس اول در ۱۴ مهر همان سال در تهران گشایش یافت و به تدوین قانون اساسی پرداخت و در آخرین ساعات حیات مظفرالدین شاه قانون به امضای او رسید. تنها ساعاتی پس از مرگ شاه، ولیعهدش محمدعلی میرزا بنای مخالفت با مشروطه و مجلس گذاشت و حتی نمایندگان مجلس را به تاجگذاری اش دعوت نکرد. دل‌ناخوشی شاه جوان

۹۹

**مشروطه کالای وارداتی - عده‌ای معتقدند که مشروطه وارداتی بوده و از آن جا که مبانی و مدل غربی داشته بدان جهت اقبالی خوشی نداشته است و علت آن را هم عقب ماندگی جامعه ایران آن روز می‌دانند که مبانی بنیادی قوی نداشت تا مراحل تکامل تاریخی را طی کند. اما با نظری به کشورهای اطراف همچون ترکیه که هیچ به اصطلاح بنیادی همچون انقلاب مشروطه را نداشته و سال‌ها سایه نظامیان بر بالای سر مردم بوده، موضوع به خودی خود مع الفارق، محسوب می‌شود چرا که اگر بسط دموکراسی مستلزم عبور از روابط تاریخی است که به هیچ روی آن توسعه سیاسی در ترکیه و نظایرش نمی‌افتاد.**

۶۶

عده‌ای همچون شهید شیخ فضل‌الله نوری با آن مخالفت صریح داشته و معتقد بود که هر قانونی که لازم بوده در اسلام آمده و نیازی به مشابه‌سازی نیست و تا پای دار نیز بر روی حرف خود ایستاد. عده‌ای دیگر همچون ملاخوند خراسانی، ملاعبداللّه مازندرانی، علامه نائینی، مجتهدان بزرگ پایتخت سیدمحمد طباطبایی و سیدعبداله بهبهانی با مشروطه همراهی کردند. (علامه نائینی عنوان نمی‌کرد که دموکراسی و آزادی بهتر از استبداد است بلکه او معتقد بود که حاکمیت سیاسی بر استبداد ترجیح دارد) بنابراین مسئله این که مشروطیت مخالف شریعت است نظریه‌ای بود که بین علما نیز اختلاف نظر بوده که قصد پرداخت به آن در این جا نیست.

۵- مشروطه شکست‌ناپذیر- عده‌ای معتقدند مشروطه شکست خورده چرا که به رضاشاه قلدر چکمه‌پوش ختم شده است. به گمانم با ذکر مسائلی که رفت دور از انصاف است که مشروطه را در بازه‌ای چند ساله تحلیل کنیم و با ذکر مصادیق دوران پهلوی اول و دوم بپردازیم، چرا که انقلاب مشروطه بیداری مردمی و سر خم بر نیابردن در برابر استبداد را به مردم آموخت تا انقلاب ۵۷ و حضور سیاسی در تمام عرصه‌ها را تکرار کنند. مشروطه دستاوردهای بزرگ سیاسی همچون حاکمیت قانون، محدود سازی حاکم به قانون، اصل تفکیک قوا، آزادی، دموکراسی، حقوق شهروندی، تاسیس عدلیه و... برای ما به ارمغان آورده است که اگر جز این فکر کنیم ستم بر مشروطه است.

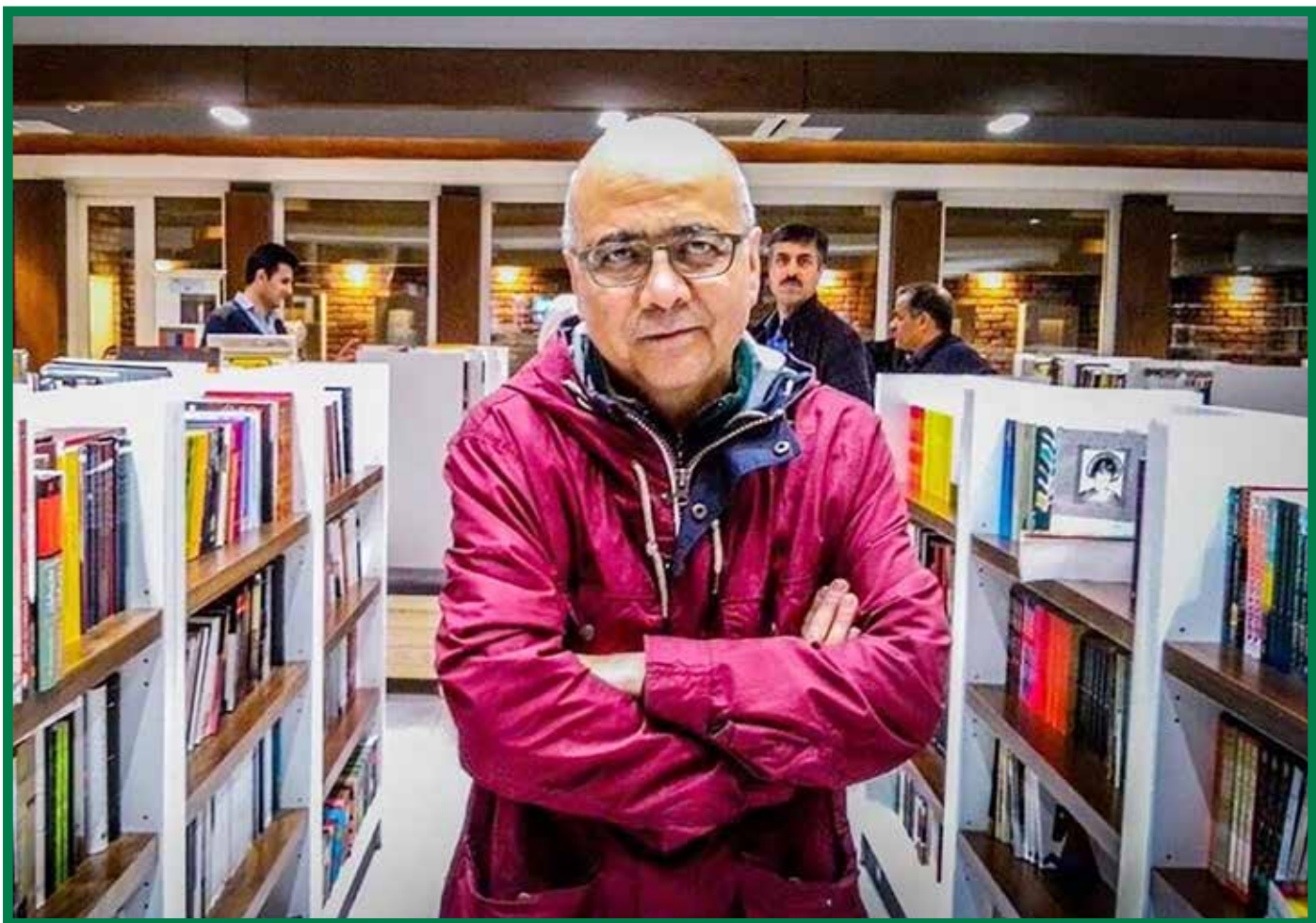
و قحطی و گرسنگی و ناامنی در اوج... متعاقب قیام تبریز اعتراضات دیگری توسط بختیاری‌ها و حرکت از اصفهان به تهران و پیوستن مجاهدین شمال به فتح تهران انجامیده و استبداد صغیر در هم می‌شکند. مشروطه و قانون در حالی دوباره احیاء می‌گردد که بسیاری از مسببین و آزادی خواهان در خاک خفته‌اند. مجلس دوم در ۲۵ آبان ۱۲۸۸ با حضور شاه جوان گشایش می‌یابد و انحراف در مشروطه در دستور کار استبداد قرار می‌گیرد.

۲- نوستالژی- به رغم وجود اتفاقات ریز و درشت بسیار در ایران در یکصد سال اخیر، بی‌شک می‌توان اذعان نمود که مهم‌ترین رویداد تاریخ سده اخیر ایران «انقلاب مشروطه» است. انقلابی که از قتل آن هر چند ناقص و ابتدایی اما حاکمیت قانون و هبوط پادشاه از صدر ظل‌الهی نقش بسته است. انقلابی که از برکاتش حقوق مردم و تفکیک قوا و پاسخگویی حاکم در برابر قانون است. انقلابی که توده عوام به ملت تبدیل شده است. فراموش نکنیم ما صحبت از زمانی می‌کنیم که تحصیلات علوم در بین مردم چیزی تعریف نشده بود و جمعیت شهری حدود یک چهارم جمعیت کل کشور را تشکیل می‌داد و در این بازه صحبت از چنین موارد فرازمینی بسی جای تامل دارد و رجحان آن انقلاب بر سایر رویدادها را شامل می‌شود. انقلاب مشروطه انقلابی فراموش نشدنی است.

۳- مشروطه کالای وارداتی - عده‌ای معتقدند که مشروطه وارداتی بوده و از آن جا که مبانی و مدل غربی داشته بدان جهت اقبالی خوشی نداشته است و علت آن را هم عقب ماندگی جامعه ایران آن روز می‌دانند که مبانی بنیادی قوی نداشت تا مراحل تکامل تاریخی را طی کند. اما با نظری به کشورهای اطراف همچون ترکیه که هیچ به اصطلاح بنیادی همچون انقلاب مشروطه را نداشته و سال‌ها سایه نظامیان بر بالای سر مردم بوده، موضوع به خودی خود مع الفارق محسوب می‌شود چرا که اگر بسط دموکراسی مستلزم عبور از روابط تاریخی است که به هیچ روی آن توسعه سیاسی در ترکیه و نظایرش نمی‌افتاد. یعنی در زمانی که در ایران درصد اقلی از مردم مفهوم «حکومت قانون» را درک می‌کردند در کشور مزبور چنین موضوع اصلا مطرح نبود. اما از یک نکته نباید گذشت و آن این که شاید مشروطه برای ایران آن روز زود بود چرا که آن گونه که ذکر شد به لحاظ توسعه و پیشرفت جامعه نمی‌توانست با ساختار دموکراسی سازگار شود.

۴- علما و مشروطیت از همان ابتدای ورود بحث مشروطیت علما با نگاه متفاوتی به آن نگریستند.





# ادبیات مشروطه چه تعهدی به دوران خود داشت؟

بزرگترین ویژگی هنر و ادبیات انقلاب مشروطه، تجددخواهیست. در شعر، تعامل و هم‌افزایی ایجاد می‌شود. بزرگترین اتفاق ادبی آن عصر خلق اوپرت‌نویسی توسط شاعران است. شاعرانی چون میرزاده عشقی، ملک‌الشعراى بهار، علی‌اکبر دهخدا، نسیم شمال و... پس طبیعتاً ما در این جنبش اجتماعی با فقدان نویسنده روبرو هستیم که وظیفه آن را شاعران به عهده می‌گیرند. در این رنسانس ادبی، نویسندگان که نخستین تحصیل‌کردگان از فرنگ برگشته هستند، همچون فتح‌علی

## هنر و ادبیات انقلاب

ما برای اینکه در حوزه انقلاب اسلامی به یک تعریف در حوزه ادبیات و هنر، به ویژه در حوزه ادبیات، و نه شعر برسیم، باید به چند سوال در طول این گفت‌ها پاسخ دهیم.

### ادبیات انقلاب اسلامی از کجا شروع می‌شود؟

در رصد این صدساله اخیر، ما با چند انقلاب نه به مفهوم انقلاب اسلامی بلکه جنبش اجتماعی روبرو هستیم، که اولین ایستگاه تأمل من ادبیات و هنر در انقلاب مشروطه است.

## سعید تشکری



واقعیت این است که ما در صد و اندی سال گذشته هربار که خواسته‌ایم از گذران حوادث اجتماعی سیاسی یاد کنیم، به تاریخ رسیده‌ایم و نه هنر و ادبیات. در یادداشتی زیر از عصر مشروطه تا ظهور انقلاب اسلامی به ادبیات و دستاوردهای آن توجه شده است.

۹۹

**شعر از یک پیشینه تاریخی غنی در ایران برخوردار است و نه فقط در دوران مشروطه، که در همه ادوار برای مردم شناسی دوران باید به شعر زمانه اش مراجعه کنیم، زیرا شعر در قدمت و اندازه‌ای است، که در همه انواعش، چه شعر نیمایی، چه شعر کهن و رباعی، نمونه‌های جذابی دارد، به طوری که ما در هر دوره، با نویسندگانی در حوزه شعر روبه‌رو هستیم، که این‌ها در دوره خودشان با اثرشان، به شهادت می‌رسند، و غرق در تولید اثر هستند. در حقیقت بیداری عصر مشروطیت، نگاه مسئولانه و متعهد شعر است، به آن دوران، نه نثر و نه داستان.**

۶۶

و بست‌نشینی در سفارتخانه‌ها و اماکن متبرکه، و کشت و کشتار، و میرسیم به دوران محمدعلی شاه، مجلس تشکیل می‌شود، و روشنفکران و روحانیون، به عنوان نمایندگان مردم در این مجلس، کنار هم قرار می‌گیرند. شخصی به نام لیاخوف در تهران این‌گردد هم آمدن نمایندگان مردم را بر نمی‌تابد، محمدعلی شاه به سنیتزبورگ فرار میکند و لیاخوف، مجلس ایران را به توپ میندود، دستگیری آزادیخواهان آغاز میشود و در باغ شاه، پنج نفر از مشروطه‌چی‌ها را مثل جهانگیر صوراسرافیل، تیرباران و دفن می‌کنند، یک فاجعه بشری و پایان انقلاب مشروطیت اتفاق می‌افتد.

صور اسرافیل یک نویسنده مبارز است که با چاپ مقالات آتشین در روزنامه خود بنام صور اسرافیل، خشم و کینه خود را علیه استبداد به کار می‌بندد. اما بازهم در نثر او تنها شعری که باقی مانده شعر «یادآر» علی‌اکبر دهخداست.

**اکنون سواالم این است که بعد از پایان انقلاب مشروطیت چقدر ادبیات داریم؟**

یک ادبیات، ادبیات واقعه است، که خود واقعه را بازگو میکند. اعدام شیخ فضل‌الله نوری، به توپ بستن مجلس، نزاع بر سر مشروطیت یا مشروعیست. که هیچ کدام در داستانی منعکس نمیشود و بیشتر گزارش‌های تاریخی داریم. اگر ادبیات و هنر را پایه تجدید بدانیم و انقلابی که داعیه تجدیدخواهی دارد، چرا هنرمندان ناتوان از ارائه موضوع خود در قالب اثر هنری هستند؟

در همان دورانی که دوربین عکاسی و سینماتوگراف، وارد ایران میشود، در همان دورانی که میرزا رضای کرمانی، تحت تعالیم سیدجمال‌الدین اسدآبادی و اقبال لاهوری اقدام به ترور ۵۰ سال سلطنت ناصرالدین شاه می‌کند. تنها عکس باقی مانده از میرزا رضای کرمانی در غل و زنجیر با نگاهی که کنار او ایستاده است، توسط یک عکاس ایتالیایی گرفته

آخوندزاده با رفتاری که نامش «آداپتاسیون» هست معتقدند که جامعه ایران درکی از «مولیر» کم‌دین نویسنده بزرگ ندارد. پس تصمیم می‌گیرد دست به آداپته بزند و نمایشنامه‌های مولیر را با شخصیت‌های ایرانی و ملموس به صحنه ببرد.

این همان نقطه بحث من است. درحالی که یک جنبش خونین در شرف اتفاق است و شاعران درکی صحیح از زمانه خود دارند با اجرای اپرت سعی در بیداری مردم دارند. نویسندگان دیگری چون صادق هدایت که او را آغاز داستان‌نویسی ایران می‌دانند، در تمام آثارش چه داستانی، چه نمایشی، این تجددخواهی را بیش از آنکه برای بیداری مردم استفاده کند بیشتر به ستیز با مذهب می‌پردازد و با نگارش داستان‌هایی به سبک اروپایی سنگ بنای داستان‌نویسی مدرن را پایه‌ریزی می‌کند.

اگر ما به یک تعریف مشخص و مقتدرانه و البته زلال، و به صورت مثالی و مصداقی، از ادبیات مشروطه دست نیابیم، هیچ وقت نمی‌توانیم کنش و واکنش ادبیات انقلاب اسلامی را، در زمانه‌ای که در آن زندگی میکنیم، تعریف کنیم.

«آندره بازن» منتقد و نظریه‌پرداز فرانسوی سینما، تعریف بسیار خوبی از سینما و سینماگرها می‌دهد، او معتقد است، سینماگرها دو گروه هستند، گروه اول که در سینما به واقعیت باور دارند و گروه دوم که به تصویر باور دارند.

اگر این جمله را باز کنیم، به یک نقطه ساده می‌رسیم، گروه اول به خود ماجرا و انقلاب‌ها باور دارند، خود مسئله مهم است نه تولید هنری از موضوع؛ اما گروه دوم، انقلاب‌ها و واکنش‌های اجتماعی برایشان بهانه است تا از آن یک اثر ادبی - هنری بسازند، احتمالاً این وجه تمایز در همه حوزه‌های ادبی ما سالیان سال است که خودش را نشان می‌دهد.

**حالا با این تعریف، می‌خواهیم بگویم ادبیات دوران مشروطه جز شعر، چه چیز دیگری دارد؟**

**نثر و داستان و نمایشنامه چه نگاه متعهدی به دوران خودش دارد؟**

شعر از یک پیشینه تاریخی غنی در ایران برخوردار است و نه فقط در دوران مشروطه، که در همه ادوار برای مردم‌شناسی دوران باید به شعر زمانه‌اش مراجعه کنیم، زیرا شعر در قدمت و اندازه‌ای است، که در همه انواعش، چه شعر نیمایی، چه شعر کهن و رباعی، نمونه‌های جذابی دارد، به طوری که ما در هر دوره، با نویسندگانی در حوزه شعر روبه‌رو هستیم، که این‌ها در دوره خودشان با اثرشان، به شهادت می‌رسند، و غرق در تولید اثر هستند. در حقیقت بیداری عصر مشروطیت، نگاه مسئولانه و متعهد شعر است، به آن دوران، نه نثر و نه داستان.

بیا بید وقایع انقلاب مشروطه را به طور کلی با هم مرور کنیم، تعدادی از شهرها در مرکز مشروطیت هستند و درک بسیار جذابی از مشروطه دارند و بسیاری از شهرها حتی بوی مشروطیت، به مشامشان نمیرسد. سیستم‌کشورداری قاجاریه، پراز فساد، فتنه و جور و ستم است. ما در این دوران اتفاقات و آدم‌های بسیار داریم، مثلاً شیخ محمد خیابانی در تبریز، قیام ستارخان و باقرخان، ماجرای فروخته شدن مشروطیت به دو سفارتخانه انگلیس و روسیه تزاری،



اگر بپذیریم انقلاب مشروطه، با هدف تجددخواهی بوده است، اصولاً در جامعه‌ای که بخش بزرگی از آن بیسواد است و اندکی از مردم سواد دارند، تریبونی برای گفتمان نداریم، تنها تریبون مسجد و قهوه خانه است، بخش عظیمی از جامعه یعنی زنها، از فضای انقلابی جامعه بیرون هستند، فاصله عمیقی بین مردم و هنرمندان وجود دارد؛ آیا امکان تجددخواهی قابل تصور است؟ در انقلاب مشروطه‌ای که تنها یک زن به نام زینب پاشا در تبریز داریم، که نام بسیار بزرگی در مشروطیت دارد. او چقدر به عنوان یک کاراکتر وارد ادبیات شده است؟

جهانگیر صور اسرافیل جدا از شعر دهخدا، چقدر ادبیات داستانی شده است؟ پس می‌بینیم برخلاف شعرا که وظایف خود را بسیار متعهدانه انجام داده‌اند، نویسندگان در این دوره تاریخی به جای نزاع علیه سنت، باید در تولید اثر و مشارکت اجتماعی حضور می‌داشتند. این همان نقصانی است که قابل تأمل است.



**در همان دورانی که دوربین عکاسی و**

**سینماتوگراف، وارد ایران میشود، در**

**همان دورانی که میرزا رضای کرمانی،**

**تحت تعالیم سیدجمال الدین**

**اسدآبادی و اقبال لاهوری اقدام به**

**ترور ۵۰ سال سلطنت ناصرالدین**

**شاه می‌کند. تنها عکس باقی مانده**

**از میرزا رضای کرمانی در غل و زنجیر**

**با نگهبانی که کنار او ایستاده است،**

**توسط یک عکاس ایتالیایی گرفته**

**شده است. جالب است در آن عکس**

**موجود، نگهبانی که روبه دوربین**

**می‌خندد «داداش بیگ» پدر**

**رضاخان است. این نمونه‌ها اتفاقات**

**فشرده‌های هستند که در دوران عصر**

**مشروطیت در درون شعرهایش**

**وجود دارد.**



شده است. جالب است در آن عکس موجود، نگهبانی که روبه دوربین می‌خندد «داداش بیگ» پدر رضاخان است. این نمونه‌ها اتفاقات فشرده‌ای هستند که در دوران عصر مشروطیت در درون شعرهایش وجود دارد.

**ولی سوال این است که در این دوران نمایشنامه‌های ما کجاست؟**

**داستان‌هایی که نه سال‌ها بعد، که در همان زمان نوشته شده باشد، کجاست؟**

ما از آن دوران یک سری سرفصل داریم که در مجلات برای روشنفکران نوشته میشد، یعنی بخش کوچکی از جامعه که در زمان امیرکبیر در خارج از کشور درس خوانده‌اند و حالا برگشته بودند و متجدد شده بودند، که نمونه نقد مشخص آن دوران، نمایشنامه «جعفرخان از سفر برگشته» اثر حسن مقدم است. در این نمایشنامه بحث کلی این است که روشنفکرانی که به فرنگ رفته‌اند اصلاً درد مردم را ندارند و به بنیان‌های سنتی خانواده ایرانی نیز پشت پازده‌اند و در نهایت جعفرخان تنها می‌ماند.

انقلاب مشروطه‌ای که قرار بوده است تجدد را به مردم بدهد، تولید اثرش، درست ضد خودش شده است و تجددخواهی را به نقد می‌کشد. انقلاب مشروطه‌ای که قرار بوده است، جامعه سنتی را به تمامی به سخره بگیرد، سرنوشت روشنفکران و انقلابیون در یک جزیره سرگردانی و بی‌هویت پریبر می‌شود. خون ستارخان و باقرخان، شیخ محمد خیابانی و شیخ فضل‌الله نوری و جهانگیر خان صور اسرافیل و بسیاری دیگر به هیچ اثر ادبی تبدیل نمی‌شود. در همان موقعیت اجتماعی، واقعه ننگین ترکمن‌چای و واگذاری روستای فیروزه به باجگیران روسیه تزاری در عوض مالیات انجام می‌شود.

مردم روستای فیروزه صبح که چشمان خود را باز می‌کنند می‌بینند دیگر هویت ایرانی ندارند و باید تحت سیطره حکومت روسیه تزاری زندگی کنند. تلخ‌ترین نسلکشی و هویت‌کشی انجام می‌شود. از مجموعه این اسناد شفاهی و مکتوب، صدسال بعد یک سریال فاخر تولید می‌شود به نام هزارستان که بازهم مشروطیت برای زنده‌یاد علی‌حاتمی یک بهانه است که گذشته ایرانی را در عظمت قاجاریه به نمایش بگذارد. تازه باز هم بر سر آن دعواست که محتوای این سریال با واقعیت همخوان نیست. انگار واقعیتی که آن دوران اتفاق افتاده است، دارای یک سند مکتوب غیرقابل کنکاش است. در سریال هزارستان، قطعی بزرگی که جامعه ایران دچارش شده است، به زیباترین شکلی نمایش داده می‌شود.

حالا می‌رسیم به آن تعریفی که در ابتدای گفت مطرح کردم، دو نوع سینماگر وجود دارد، آن که دست مایه‌های اجتماع‌اش را تبدیل به فیلم میکند و آن دیگری که موضوعش اهمیت دارد و تصویر مهم است.

به نظر می‌رسد هنرمندان دوران مشروطه دو نوع بوده‌اند، گروه اول علیه سیستم شاهنشاهی قاجاریه و عقب‌افتادگی مردم قیام کردند و جان دادند، و گروهی که قرار بود این جان دادن را بنویسند و تبدیل به اثر ادبی کنند و در اختیار مردم بگذارند.







## اشعار فارسی و ترکی عصر مشروطیت

یوسف عزیزنژاد خویی



اشاره - شاعران هر عصری، شعرهای مناسب آن دوره را سروده‌اند. دوره‌ی مشروطیت که یکی از مقاطع تاریخی مهم کشور ایران است، شاعرانی را در خود پرورانیید و معترفی کرد که بخشی از این جنبش عظیم را به سوی هدف رهنمون ساخت. آنچه در ذیل می‌آید، نگاهی ست مختصر به شعرهای این دوره که به سبب درازی کلام، از شرح حال شاعران و سراینندگان آن‌ها خودداری می‌شود.

بهر حفظ لانه‌ی خود می‌تند تار عنکبوت  
زعنکبوتی کم نه‌ای، ای غافل از حفظ وطن  
عقل کل مهر وطن را معنی ایمان شمرد  
معنی ایمان بود مهر وطن، بی‌ریب و ظن  
شیخ اگر معنی وطن نشناخت، معذورش بدار  
این وطن نامش بود ایران، بیا بشنوزم  
این شاعر در جای دیگری می‌گوید:  
دشمن گرفته دوربه‌دور دیارتان  
ای قوم از چه نیست جوی ننگ و عارتان؟

پاک از لوث وجود تو کند بُستان را  
کاسه‌لیسی تو از روس ندارد ثمری  
کاین سیه کاسه در آخر بگشود مهمان را  
۲. روان‌شاد کسروی در تاریخ مشروطه‌اش، در بخشی با  
عنوان ایرانیان چه‌گونه بیدار شدند، اشاره به شعرهای  
وطنی کرده است. و از آن جمله، چکامه‌هایی از  
محمداسماعیل منیر مازندرانی است:  
عنکبوت ار لانه دارد، آدمی دارد وطن  
عنکبوت‌آسا تو هم دور وطن تازی بتن

۱. در یکی از شب‌نامه‌هایی که در تهران در نگویش  
«وام‌گرفتن از روس» نوشته شده، قصیده‌یی از  
فخرالواعظین کاشانی که درباره‌ی اتابک سروده بود،  
آورده شده است، بدین مضمون:  
ارمنی‌زاده میازار مسلمانان را  
به کف کفر مده سلطنت ایمان را  
عاقبت خانه‌ی ظلم تو کند شاه خراب  
پس چه حاجت که به افلاک کشی ایوان را  
داس غیرت چو شود در کف ملت ظاهر

یاد آورید همت آن خفتگان خاک  
اسلاف باشرافت عالی تبارتان  
تبارتان شراب شد و کارتان قمار  
بی درد و عار گشته صغار و کبارتان  
در ملک تان به سیر بُدند اهل شرق و غرب  
در ملک غیر سیرکنان شهریارتان  
۳. میرزا حسن خان بدیع که در بصره و خوزستان  
می زیسته، می گوید:  
چرا نمی نگری حالت فکار وطن؟  
چرا نمی شنوی ناله های زار وطن؟  
۴. شعری که میرزا جواد ناطق قبل از سخنرانی درباره ی  
معنی مشروطه در تبریز خواند:  
بلبلان وقت گل آمد که بنالند از شوق  
نه کم از بلبل مستی تو بنال ای هشیار  
خبرت هست که مرغان چمن می گویند  
آخرای خفته سر از بالش غفلت بردار  
تا کی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش  
حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار  
۵. اشعار مهیجی که بعضی از سخنوران و وعاظ در حیات  
تلگرافخانه ی تبریز می خواندند:  
آه ای آزادگان از دست استبداد داد  
خانمان شش هزاران ساله را بر باد داد  
یک نفر کز مادرش هنگام زاد آزاد زاد  
بهرچه خود را به جور و ظلم و استبداد داد  
هردمی از گوشه یی می آید این فریاد یاد  
آه ای آزادگان از دست استبداد داد  
خانمان شش هزاران ساله را بر باد داد  
۶. اشعار تازه سروده شده ی ادیب الممالک فراهانی که  
توسط میرزا حسین واعظ بالای منبر خوانده می شد و  
دل ها را لبریز از حس وطن پرستی می کرد:  
ماییم که از پادشهان باج گرفتیم  
زان پس که از ایشان کمر و تاج گرفتیم  
دیهیم و سریر از گهر و عاج گرفتیم  
اموال و ذخایرشان تاراج گرفتیم  
وز پیکرشان دیبه و دیباج گرفتیم  
ماییم که از دریا امواج گرفتیم  
واندیشه نکردیم ز طوفان و ز تیار  
۷. باز از زبان میرزا حسین واعظ به زبان ترکی آذری:  
آمالیمیز افکاریمیز اقبال و طندیر  
سرحدیمیزه قلعه بیزیم خاک و طندیر  
ایرانی لاروخ جان وثره روخ نام آلا روخ بیز  
دعواده شهادتله هامی کام آلا روخ بیز  
جان قورخوسی یوخدرو دلمیزده جانیمیزده  
هر گوشه ده بیر شیر یاتیب توپرا قیمیزده  
ایرانی لاروخ جان وثره روخ نام آلا روخ بیز  
دعواده رشادتله هامی کام آلا روخ بیز  
ایرانی آدی هر اژرگه لره سالاندیر  
ایرانی لرین هیبتی معروف جهاندور  
۸. شعری به ترکی آذری که در ایام آماده سازی تبریز برای  
دفاع، کودکان در کوچه ها می خواندند:

یاشاسین دولت مشروطه میز هر آن یاشاسون  
یاشاسون مشق ایلین ملت ایران یاشاسون  
۹. شعرهایی به ترکی آذری در روزنامه ی ملانصرالدین  
و آذربایجان. توضیح آن که چون میرزا علی اصغر خان  
اتابک به ایران آمد و مجلس درباره ی او سست کاری از  
خود نشان داد، ملانصرالدین این را دستاویز قرارداد.  
شعرهایی (از گفته ی صابر) در سرزنش ایرانیان و این که  
جنبش ایران جز یک چیز سرسری نیست، به چاپ رسانید:  
هه دی گوروم نه اولدی بس آی بالام ادعلری؟  
دوتمش ایدی یری گوگی ناله لری نوالری؟  
یوقسا قانونلا عیبلی بوشلا میسان ادالری؟  
کیمدی حریف سؤزهمان من دیین اولمادی؟  
انجمن اهلی، قوچاق سن دیدمگمی برتکی  
وثرمیه جاق رضا گله اولکه میزه اتابکی؟  
نولدی کی تئز بوشالدی بس ایش گورن انجمنده کی؟  
کهنه قایی همان دایان من دین اولدی اولمادی؟  
سپس چون اتابک به قتل رسید، آذربایجان این عنوان را  
گرفته، پاسخی به ترکی آذری به آن شعرها نوشت:  
هه گوره سن یرینده دیربه براد عامیزی  
گورنجه مستجاب ایدوب تاری بیزیم دعامیزی  
وثردی کمال لطفله مطلب و مدعامیزی  
ایندی نئجه اولدی ملاعمون دیین اولدی اولمادی؟  
به جهت جلوگیری از اطاله ی کلام، به همین مختصر  
بسنده می شود.  
۱۰. شعرهای ساده ی نافذ و مؤثری (تأثیرکننده یی) از زبان  
دختران قوچانی که توسط آصف الدوله به ترکمن ها  
فروخته شده بودند، در روزنامه ی صور اسرافیل:  
هفده و هیجده و نوزده و بیست  
ای خدا کسی فکر ما نیست  
۱۱. شعرهایی که برای ابراز هم دردی با مردم آذربایجان که  
سوگواران و کودکان و سربازان ملی اصفهان می خواندند:  
ای شیعه چه غوغاست که روز همه شد شام  
خون گریه کن از بی کسی و غربت اسلام  
ما بنده ی خداییم، مشروطه را فداییم  
کشتند ز اسلام چو در قلعه ی ماکو  
ای شاه نجف، شیر خدا، صاحب ما کو؟  
۱۲. شعرهایی که در روزنامه ی انجمن تبریز نوشته شده  
بود و در مراسم سالگرد سید عبدالحمید خوانده شد:  
زان روز که از دار فنا رخت کشیدی  
از جان بگدشتیم و ز خونت نگدشتیم  
هر قطره ی خون کز بدنت ریخته شد ما  
برداشته با خون دل خود بسرشتیم  
در راه وطن آن چه نهفتند و نگفتند  
ما در سر بازار بگفتیم و نوشتیم  
المنه الله که نمردیم و بدیدیم  
شد سبز هر آن تخم که پارینه بگشتیم  
بر یاد همان دم که سپردیم به خاکت  
این دسته گلی را به مزار تو بهشتیم  
۱۳. شعرهایی که میرزا غفار زنوزی در مراسم بزرگداشت  
عباس آقا قاتل اتابک به ترکی آذری خواند:

آرقاداشلار قان توکون تاجوشه گلسون کاینات  
ثابت اولسون تاجهانه بیزدکی عزم و ثبات  
ذلته عمده مرجحدور شرطی بیرمات  
ملته لازم دگلدور بیله افسرده حیاط  
ظلم و استبداد دوری درد و یأس ایامی دیر  
آرقاداشلار قان توکون قان توکمگون ایامی دیر  
۱۴. نیز شعرهایی که در مراسم گرامی داشت چهلم  
عباس آقا صراف تبریزی بهاء الواعظین خواند در سر مزار  
آن مرحوم:  
ای مزار محترم! هر چند بزم ماتمی  
لیک از این تو گل که خفت اندر تو شاد و خرمی  
جای دارد در تو آن کو عالمی را زنده کرد  
عیسی ات خوابیده در دامن تو مانا مریمی  
ای جهان غیرت ای عباس آقا کز شرف  
زخم قلب ملک و ملت را تو شافی مرهمی  
ترک ایرانی نژاد ای آن که هم چون تهمتن  
معلی فتر فریدون، مَحیی جام جمی  
۱۵. شعرهایی که در شماره ی ۱۳ روزنامه ی روح القدس به  
تاریخ پنجشنبه ۱۴ آبان آمده است:  
مگر به گوش سلیمان ز من رساند باد  
نصیحتی که در او خبر سلطنت باشد  
سرشب، سر قتل و تاراج داشت  
سحرگه نه تن، سر نه سر تاج داشت  
و نیز یک رباعی:  
ظالم ز ستم همیشه لات آمده است  
رخ رفته، پیاده با ثبات آمده است  
مشروطه طلب، به اسب و پیل است سوار  
چون کشته وزیر، شاه، مات آمده است  
۱۶. شعرهایی که به نام ظهیرالدوله در تهران و خود  
یادگاری از مشروطه و تاریخ آن می باشد و در روزنامه های  
ناله ی ملت تبریز و شمس در استانبول چاپ شده است:  
به عرض شاه رسان! از صبا ز قول صفا  
که ای شهنشه دوران و جانشین کیان  
مگر به عرض حضور تو نارسانده کسی  
که گندمی که نمایند زیر خاک نهان  
نخست چون که شود سبز لاغرست و تَنک  
چنان که می نپسندد زارع و دهقان  
نظر به مصلحت دهقنت یله سازد  
گله به مزرعه ی کدخدای ده! چوپان  
چو بگذرد ده سو روز از همان گندم  
بروید از نو و سرسبز زو شود بیستان  
ستبر پنجه زده هفت سنبل آرد باز  
چنان که وعده نموده خدای در قرآن  
بکاشت ملت بیچاره تخم آزادی  
ز بعد بندگی قرن های بی پایان  
چو سر ز خاک برآورد، امر فرمودی  
به مردی از همه ی اهریمنان بی ایمان  
که خاک مجلس و مسجد همی دهند به باد  
کُشدند مردم مظلوم را ز پیر و جوان  
به یک اشاره که از روی خواهش نفست

خدا که امر عبادش حواله کرده به شورا  
حرام بشمرد این ابلهان ریش حنایی  
بلی ز گاو مجسم مجو فضیلت انسان  
که آدمی نه به ریش است و نی قبا و کلایی

۲۱. شعری که ملک الشعرا بهار در دوره کامروایی  
محمد علی شاه در قالب قصیده‌ی مستزاد سروده:  
با شه ایران ز آزادی سخن گفتن خطاست  
کار ایران با خداست  
مذهب شاهنشاه ایران ز مذهب‌ها جداست  
کار ایران با خداست  
شاه مست و میر مست و شحنه مست و شیخ مست  
مملکت رفته ز دست  
زین سیه‌مستان به هرسو فتنه و غوغا بپاست  
کار ایران با خداست  
هر دم از دریای استبداد آید بر فراز  
موج‌های جانگداز  
زین تلاطم کشتی ملت به گرداب بلاست  
کار ایران با خداست

۲۲. تصنیف‌هایی که در آن روزگار در تبریز و در وصف  
ستارخان خوانده می‌شد:  
ستارخان، ستارخان، پسر اسماعیل خان،  
فرزند جوان انقلاب بزرگ ایران  
غرق سلاح گشتم، از جان خود گذشتم،  
جام شربت انقلاب را سرکشیدم  
هفت - هشت تن یار جوانمرد پیدا کردم،  
سوار بر اسب کهر به سوی سنگر دشمن تاختم،  
فوج‌ها را شکستم، اردوها را تاراندم،  
از این سر تبریز تا آن سراسب دواندم  
امیرخیز، خیابان، لیل آباد، سرخاب،  
ششگلان، مارالان، دوه چی، اهراب،

۲۳. تصنیف‌های عامیانه‌یی که در دوره انقلاب در تبریز  
توسط مردم خوانده می‌شد:

در ششم روز از مه ذی قعد  
تیره و تار گشت روی سما  
بی‌شمار از گروه زاغ و زغن  
وز کلاغان زشت و بدسیما  
چون ابابیل در حکایت فیل  
لشکر حق فرو بشد ز سما  
جمع گشتند و جمله افکندند  
گوش‌ها گشت کر ز قاقاقا  
چند تیر تفنگ خالی شد  
نموندند هیچ از آن پروا  
همه با چنگال و پر منقار  
بگرفتند پرده را یک جا  
بدریدند و پاره بنمودند  
ماند چوب علم برهنه به پا  
عبرتی گیر ای شه غافل  
نکنه‌یی نغز هست در این جا

۲۵. شعرهایی که میرزا جعفر آقا خامنه‌ای در نکوهش  
بعضی روحانی‌نمایان که فتوای قتل مجاهدین  
مشروطیت را داده بودند، گفته بود و در همان روزها در  
ناله‌ی ملت به چاپ رسیده:  
من ای خدا به تو نالم ز زاهدان ریایی  
که عالمی بفریبند با قبا و ردایی  
به خلق حرمت می، می‌کنند ذکر ولی خود  
ز خون بی‌گنهان مست هر صباح و مسایی  
به گاه موعظه آزار مور نپسندند  
به قتل و غارت شهری کنند حکمروایی  
دهند مردم بیچاره را به پنجه‌ی جلا  
نه شرم‌شان ز پیمبر، نه بیم‌شان ز خدایی  
بیا که خون شده جاری به جای آب به تبریز  
به حکم شاه و به فتوای چند شیخ کذایی  
به بندگان خدا بسته گشته راه معیشت  
ولایتی شده مفلوک و مبتلا به گدایی

بسی خراب بشد خانه‌های بی‌گنهان  
شما چراندی اگر سبز حاصل ملت  
بهوش باش که روپاندش خدای جهان  
بسی قوی‌تر و سرسبزتر، از اول  
اگرچه چند صباحی عقب فتاده‌ست آن  
جزای هر عملی مثل آن بود بی‌شک  
که می‌دهد به سزاوار مجزی میان  
خراب کردی اگر خانه‌یی ز بی‌گنهی  
جسارت است شود خانه‌ات اگر ویران  
یکی لطیفه‌ی نغز این بُود که خانه‌ی ما  
هزار زرع بود فی‌المثل به حیث مکان  
ولی به مملکت ما، تو چون شهنشاهی  
بود تو را به مثل خانه مملکت ایران  
خراب گردد ایران، تو مرده یا زنده  
به قول عام کشیدم برات خط و نشان  
زبان درازی شد خسروا ببخش مرا  
بکن هرآن چه دلت خواست خانه آبادان

۱۷. بیت ریشخندآمیزی که پس از شکست اردوی  
ماکو و دوه چی [شتربان] بچه‌ها در کوجه‌های تبریز  
می‌خواندند:  
اردوی ماکو دوشویدی لنگه  
اهل دوه چی گلوبدی تنگه

۱۸. شعرهایی به ترکی آذری که گوینده‌ی آن معلوم نیست  
و گاهی گفته می‌شود گوینده‌ی آن مشهدی محمد علی  
مطیبه چی بوده:  
ای ستمگر اولما راغب ملتون فنا سینه  
پادشه سن گت گلن بیگانه لر دعوا سینه  
مسلمون قانی مباح اولماز باتیرما اللرون  
اولما چوخ مغرور شاهم محتر فتوا سینه  
اوتوزایل نازون چکن شهره عجب وئردون عوض  
خطه‌ی تبریزی دوندردون بلا حراسینه  
سهل سانمایت گلن مظلوم قانندن حذر  
قورخ اوگوندن غرق اولورسان سنده فان دریا سینه  
وقت اوو قندورکی نسون هم اولسون اقبالین نگون  
چون که ظلمون چخموسان برذروه‌ی اعلا سینه  
بیز اگر فیض شهادت درک ایداخ سیز سعی ایدون  
ای بی‌زیم اولادیمیز مشروطون اجراسینه  
وئردیلر فتوی مجاهد قتلنه آل یزید  
رسمدور تقلید ائدر هر کیمسه اؤز مولا سینه

۱۹. شعرهای طنزی که در روزنامه‌ی ملت و انجمن  
در باره‌ی پاره کردن بئرق‌های دولتی در تهران توسط  
کلاغان چاپ شده است:  
گویمت یک حکایت شیوا  
کن روایت به دوستان از ما  
بود بالای قصر پادشهی  
شیر و خورشید بئرقی بریا  
علم، اول نشانه‌ی شاه‌یست  
کاحترامش کنند در هر جا  
سیصد و بیست و شش بعد هزار  
رفته از هجرت رسول خدا



تبریز کرده انقلاب / ممدلی، بگیر بخواب  
کمک بگیر از ارباب / ممدلی، بگیر بخواب  
از انگلیس کمک بگیر / ممدلی، بگیر بخواب  
از روسیه قزاق بخواب / ممدلی، بگیر بخواب  
به لیاخوف التماس کن / ممدلی، بگیر بخواب  
در تبریز ستارخان هست / ممدلی، بگیر بخواب  
۲۴. تصنیف‌هایی که در تبریز قبل از حمله‌ی رحیم خان بر سر زبان‌ها افتاده بود:

رحیم خان به تبریز می‌آید / برایمان سوقاتی می‌آورد / چیزی نمانده خون تا زانو بالا بیاید / تاج و تخت سرنگون باد ممدلی / چشم‌هایت کور باد ممدلی / مادر بزرگت ام خاقان / خودت هم از غیرت پریشان / بس است این قدر خون مردم را نیز / تاج و تخت سرنگون باد ممدلی / چشم‌هایت کور باد ممدلی.  
۲۵. بحر طوبی که از سنگرهای مجاهدین در تبریز در نفی قربانی کردن شتر توسط میرهاشم ضد انقلاب و دار و دسته‌اش خوانده می‌شد:

چشم خود باز کن از خواب گران، بپا خیز تو ای ملت ایران، تا بخوانم به تو من نغمه‌ی خوشخوان! این حکایت شده از اهل شتربان، که خریدند شتر از سر شهرت، که کند ذبح مثلاً بنام نذری و قربان! صورت خرج خرید شتر نذری، آن‌ها، بنوشته است «لتوف میرزا» و داده به میشل «کوخا» که گیرد همه تا شاهی آخر، ز فلان یا که ز بهمان! یازده شاهی آن را، برگرفته است ز شو «و گل قلی خان» هفت قران: «گل نسا جان»، شش: ز خانم «تحفه نسا»، صنارش هم از خاله جاننش، هفت تومن، هفت قران، هفت عباسی از «زینب مشاطه» گرفته است و نوشته است در آن صورت خرج، آی! عمو جان! آی فلانی که شتر کرده‌ای کشتار، آهای سید بیچاره...

۲۶. بیتی که در موقع فرار محمدعلی شاه توسط اهالی تبریز خوانده می‌شد:  
محمد علی در رفت، نذارین  
افسارشو واگرد، نذارین

۲۷. در زمهری ادبیات مکتوب مشروطه می‌معی هم از شهید سعید سلماسی کشته‌شده در جنگ‌های خوی به یادگار مانده است:

بازم تویی؟ فدای نگاه ملول تو  
گول ای مودام گریه و افغان آندن وطن  
بازم چرا غریق خیال و تأثری؟  
هرشب آخان سرشک تأثر نه‌دیر؟ نه‌دن؟  
بی خواب و بی حضوری چشمان حسرت  
ایلر لیال عشقیمی پربار ای وطن  
ای خسته طیب جو، ای باغ خاطرات  
ای سبزه زار شوقی سوسوزدان سولان چمن  
آهی که از درون من آید معانییش  
مقصودموز خلاص وطن دیر، وطن  
ایام دی گذشت و صباح بهار ماست  
اوغروندا حاضرک کی آتدک بذل جان و تن  
۲۸. شعرهایی به ترکی آذری از میر عبدالحسین خازن تبریزی:

هر زمان گویوم قوشی یاد بهارستان آندر  
فکر وصل ایلیبر سیزلدار ناله و افغان آندر  
بیر پری سینمیش قوشی گوردوم دونن گولزارد  
باشلایب شوریه نقل غصه‌ی ایران آندر  
سسله نیردی باغبانه اولما غافل باغدان  
بیله‌کی گولچین داراشمیش گولشین تالان آندر  
هیئت کابینه‌دیر اغیار اولوب همراز یار  
علم سیز ملت دی بیجا دعوی وجدان آندر  
اولسا هر بیر قلبده ناموس دین، حبّ وطن  
بیر ایله انسانه «خازن» جانینی قوربان آندر  
آیاقدان دوشموشم ساقی الیمدن توت ایغ ایله  
الینده ساغر زرین گوروم همواره وراولسون  
قیزیل گول غنچه‌سی تک لخته لخته قان اولان گویوم  
آچیلماز بیرده عالمده اگر یوزمین بهار اولسون  
نه شاه‌دان چاره‌وار بو ملته یارب نه مجلسدن  
بیزه هر کیمسه یار اولسا اونا الله یار اولسون  
شعر طنز:

اهل دوه چی گلیب دی جنگه  
بشش - بشش با مادور قویوب تفنگه  
هر دن بیرینی آتیر هوایه  
پول ورمه گیلن بو اشقیایه  
لعنت تله قوم بی‌حیایه  
۲۹. نمونه‌هایی از شعرهای سید اشرف‌الدین حسینی (نسیم شمال) که به سبب کثرت این‌گونه اشعار به همین چند نمونه بسنده می‌شود:  
تا چند کشتی نعره که قانون خدا کو؟  
گوش شنوا کو؟  
آن کس که دهد گوش به عرض فقرا کو؟  
گوش شنوا کو؟  
مردم همگی مست و ملگند به بازار  
از دین شده بیزار  
انصاف و وفا و صفت شرم و حیا کو؟  
گوش شنوا کو؟



در علم و ترقی همه آفاق عوض شد  
اخلاق عوض شد  
ما را بسوی علم یقین راهنما کو  
گوش شنوا کو؟  
و یا:  
گر دیده وطن غرقه‌ی اندوه و محن وای  
ای وای وطن وای  
خیزید، روید از پی تابوت و کفن وای  
ای وای وطن وای  
از خون جوانان که شده کشته در این راه  
رنگین طبق ماه  
کو هیبت و کو غیرت و کو جوش و فیتوت  
کو جنبش ملت  
مشروطه‌ی ایران شده تاریخ ز من وای  
ای وای وطن وای

۳۰. ابیاتی که ادوارد براون و سایکس از زبان محمدعلی میرزا هنگام بازگشت به ایران در کتاب‌های خود ذکر کرده‌اند:

اگر سوی تهران نمایم گذار  
کنم جمله را شقه قصاب وار  
همه خلق را از صغیر و کبیر  
به توپ شربل بنبدم قطار  
بیرم سر نایب‌السلطنه  
که کار مرا کرده از عقل زار  
برآرم به چاقوی ذلت برون  
دو چشمان احمد شه نامدار  
ز سردار اسعد بدرم جگر  
سپهدار را می‌کنم پارپار  
همان پارلمان را بنبدم به توپ  
که حلوای مشروطه شد زهرمار

#### منابع

۱. تاریخ مشروطه‌ی ایران، کسروی، احمد، انتشارات صدای معاصر تهران، ۱۳۸۰، صص ۸۳، ۱۴۴، ۲۵۷، ۳۰۰، ۳۰۵، ۳۹۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۷، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۹.
۲. قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران، طاهرزاده‌ی بهزاد، کریم، انتشارات اقبال، ۱۳۶۶، صص ۱۵۹، ۱۶۰ و ۳۸۵.
۳. ویژه‌نامه‌ی روزنامه‌ی اختر تبریز (مشروطه، قیام علیه استبداد)، شماره‌ی ۱۹، ۱۵ مرداد ۱۳۸۱، افشار، رضا، صص ۴۰ و ۴۱.
۴. ایران در دوره‌ی سلطنت قاجار، شمیم، علی‌اصغر، انتشارات مدبر، صص ۵۱۴ و ۵۱۵.
۵. ادبیات معاصر ایران، سیدحسن امین، انتشارات دایره‌المعارف ایران‌شناسی، صص ۳۱-۳۴ و ۶۹-۹۸ و ۱۴۶-۱۴۵: تبریز مه‌آلود (دومانی تبریز)، ۴ جلدی، محمدسعید اردوبادی، ترجمه‌ی سعید منبری، انتشارات علمی تهران، ۱۳۷۹، صص ۴۳، ۴۴، ۵۷ و ۷۰.
۶. جاودانه‌های ادب پارسی، حیدری، غلامرضا، چاپ دوم، پاییز ۱۳۸۲، انتشارات سایه‌گستر، صص ۲۳۰.



# انقلاب مشروطه؛ ریشه اقتصادی داشت

بررسی سال‌های مشروطه در گفتگو با دکتر عباس قدیمی عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز

احسان شامی

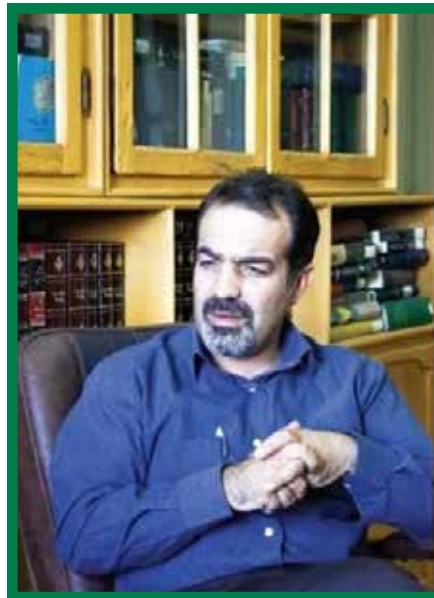


اشاره: وقتی قرار شد در خصوص انقلاب مشروطه در آستانه سالروز فرمان مشروطیت مطلبی کار شود، هیچ سوژه‌ای به اندازه بررسی ریشه‌های اصلی آن در دوره‌ای از تاریخ ایران که اثرگذاری خود را بر تمام تاریخ معاصر ایران داشته است؛ جذابیت خود را برای من برجسته نکرد. مقوله‌ای که اگرچه بارها و بارها پرداخته شده اما هنوز چگونگی رخ دادن آن در بیش از یک سده پیش، محل سوال و تأمل است. انقلاب مشروطه ایران به مثابه گفتمانی است که هر اندازه به آن پرداخت شود و هر اندازه از ریشه‌ها و علل آن گفته شود باز نیاز به پرداخت دارد و چنین به نظر می‌رسد که به رغم همه کارهایی که در این حوزه شده است باز می‌توان نتایج جدیدی از ریشه‌های واقعی آن گرفت.

این سخن وقتی برایم بیشتر هویدا شد که قرار مصاحبه با دکتر عباس قدیمی دانشیار تاریخ دانشگاه تبریز تعیین می‌شد. وقتی طرح کلی مصاحبه را با وی در میان گذاشتم ایشان به فرازهایی از تاریخ ایران اشاره نمود که انگیزه برای واکاوی ریشه‌هایی که کمتر پرداخته شده است بیشتر شد. دکتر قدیمی بر این باور است که ریشه‌های اقتصادی و اجتماعی مشروطه خواهی ایرانیان از جنبه‌های اصلی و بنیادین به وقوع پیوستن آن بوده که کمتر بدان پرداخته شده است. او امیدوار است که در آینده زمانی باشد برای پرداخت بهتر به این ریشه‌ها. ریشه‌های مغفول مشروطه خواهی که تأثیرات خود را تا دهه‌ها بر تاریخ ایران گذاشت و سرنوشت دیگری برای تاریخ معاصر ترسیم نمود. دکتر عباس قدیمی پایان نامه دکترای خود را در حوزه تاریخ نگاری قاجار، در سال ۱۳۸۶ ارائه کرد. وی در این گفتگو از منظر اقتصادی و اجتماعی به ریشه‌های انقلاب مشروطه توجه دارد و بر این باور است که دیگر جنبه‌های مشروطه را نیز می‌بایست در ذیل آنها مورد بررسی قرار داد.

جستجوی علل اقتصادی برآمده مواجه بوده‌ایم. بعدها برخی نگاه‌ها به مشروطه معطوف به تحلیل‌های مارکسیستی بود این چیزی نیست که تازه باشد بلکه کمتر بدان پرداخته شده است و امیدوارم که زوایای ناگفته انقلاب مشروطه ایران از این زاویه مورد بازشناسی قرار بگیرد.

ما در نیمه دوم قرن ۱۹ با یک سری تغییرات عمده روبرو هستیم، تغییراتی که طی آن بار رشد گسترده مناسبات تجاری و اقتصادی ایران با دنیای غرب رقم می‌خورد. این گسترش مناسبات عمدتاً با دو کشور انگلیس و روسیه صورت می‌پذیرد. اگر حجم معاملات تجاری ایران با روس‌ها و انگلیسی‌ها در اواخر قرن ۱۹ مورد بررسی قرار گیرد، مشاهده خواهد شد که یک رشد فزاینده‌ای نسبت به صدر و میانه تاریخ قاجار صورت گرفته است. این برابر است با عصر ناصری در ایران، این افزایش حجم معاملات تبعات زیادی را به دنبال داشت تبعاتی که باعث شد ایران عملاً به کشوری به عنوان صادر کننده مواد خامی چون تریاک، برنج، تنباکو و خشکبار و وارد کننده مصنوعات خارجی تبدیل شود. طبیعی است که در این فرایند رشد مبادلات تجاری اقتصاد ایران ضربه بخورد. چون منابع ملی و داخلی محصولات داخلی صنعت گران و پیشه‌وران ما دچار خسران و آسیب شدند به دنبال واردات مصنوعات خارجی ورشکستگی صنایع داخلی ایران پدیدار شد. این ورشکستگی با آنکه خود محلول متاسبات جدید اقتصادی است، اما به خودی خود علتی است برای بروز مسایل جدیدی که بعد از آن بوجود آمد از آن جمله می‌توان به مهاجرت‌های گسترده نیروهای کار به قفقاز اشاره کرد. این افراد، نیروهایی هستند که به دلیل ورشکستگی بنگاههای خرد اقتصادی ظلم ملاکین و افزایش نرخ بیکاری در اواخر قرن ۱۹ باعث ایجاد یک و همیت ویژه در جامعه آن روز ایران شده‌اند. این نیروهای کار طی آن دوران به قفقاز مهاجرت می‌کنند و تیمات حضور آنها، در تاریخ سیاسی ایران بسیار موثر می‌افتد متابع داخلی ما که در آن دوران فعال بوده با ورود مصنوعات خارجی منظور گردید، صدور مصنوعات و ساخته‌های داخلی در این دوره با کاهش و افت شدید مواجه شد و حتی کارگاههای سازنده مصنوعات ورشکسته شدند در مقابل کالاها و مصنوعات خارجی ورودشان به ایران شدت یافت. این در حالی بود که کالای داخلی ما توان رقابت با کالای خارجی را نداشت و به همین دلیل صنایع داخلی ما در هم فروپاشید. در پی افزایش مهاجرت‌ها در پی افزایش واردات و اخذ مالیاتهای بی رویه دهقانان بیکار شدند. آنها به کشورهای اطراف مرزهای ایران مهاجرت



”

**انقلاب مشروطه ایران مقوله‌ای است که به مثابه یک انقلاب عظیم تأثیرات خود را بر بدنه اجتماع، سیاست، اقتصاد و فرهنگ ایران نهاده است. تمام رویدادهای سیاسی بعد از انقلاب مشروطه منبعث از شعارها و آرمانهای این انقلاب بوده‌اند و شاهد شیرین مشروطه تاکنون شهدای زیادی را به کام خود گرفته است. بازشناسی اهداف و آرمانهای مشروطه در کنار بررسی وضعیت فعلی آن بعد از یکصد و شش سال زمینه مناسبی برای پرداخت جدی به این مقوله است. مقوله‌ای که لازم است همواره مورد توجه ویژه قرار گیرد.**

“

**+ در خصوص ریشه‌های مشروطه خواهی ایرانیان، تاکنون سخن‌های زیادی رفته است؛ برخی مورخان آشنایی ایرانیان با روشنفکران ایرانی با اروپا را ریشه این کوشش ملی دانسته‌اند. برخی دیگر نیز استقرار ایران بر سر بزنگاه جغرافیایی را دلیل این امر بر شمرده‌اند. شماری از مورخان نیز این مساله را با زوال ایران و کاهش اقتدار سیاسی حاکمیت چه در داخل و چه در خارج، بعد از سقوط افشاریان و به خصوص مرگ نادرشاه افشار مرتبط می‌دانند.**

پاره‌ای از مورخان نیز آشنایی پادشاهان قاجار به خصوص ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه با مظاهر تمدن و تجدد در اروپا را به نوعی کاتالیزور در تسریع دیدگاه‌های منتج به مشروطه تعبیر نموده‌اند. آقای دکتر شاما کدام یک از این دلایل را به عنوان زمینه و انگیزه اصلی برای آغاز مشروطه موثر می‌دانید؟

ریشه‌های مشروطه خواهی ایرانیان را می‌توان عمدتاً در دو جنبه اقتصادی و اجتماعی مطرح کرد نخستین بحثی که من تمایل دارم به آن ورود کنم بحث ریشه‌های اقتصادی است. نیمه دوم قرن نوزدهم در ایران یک تغییرات گسترده اقتصادی رخ می‌دهد. این موضوع در گسترش مناسبات اقتصادی ایران با کشورهای غربی، ایران به کشوری با روند توسعه وابسته تبدیل می‌شود. یعنی کشوری که عمدتاً صادر کننده مواد خام و وارد کننده مصنوعات خارجی است. خود این توسعه وابسته مشکلات و مسایل اجتماعی را بوجود می‌آورد. وقتی که با این ویژگی‌ها در دوره قاجار مواجه می‌شویم و آن را به بررسی می‌نشینیم متوجه می‌شویم که این حوزه در بررسی‌های مربوط به تاریخ قاجار و انقلاب مشروطه حوزه تقریباً ناشناخته‌ای است.

به رغم این که برخی پژوهشگران مطرح به آن پرداخته‌اند، اما چنین به نظر می‌رسد که بررسی تاریخ اقتصادی ایران در دوره قاجار می‌تواند بسیار راهگشا باشد. برای ما که دنبال فهم برخی ریشه‌های پنهان انقلاب مشروطه هستیم. از سخن شما می‌توان این برداشت را داشت که شما نگاه نسبتاً جدیدی به ریشه‌های انقلاب مشروطه دارید. چیزی که تقریباً کمتر گفته و پرداخته شده است.

نه! این گونه نیست که این نگاه، نگاه کاملاً جدیدی باشد، بعد از این زاویه نیز، انقلاب مشروطه ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در دوران مشروطه نیز با برخی دیدگاه‌های اقتصادی که در



”

**در پی افزایش مهاجرت‌ها در پی  
افزایش واردات و اخذ مالیات‌های  
بی‌رویه دهقانان بیکار شدند. آنها  
به کشورهای اطراف مرزهای ایران  
مهاجرت کردند. در خلال این سال‌ها  
و اواخر قرن ۱۹ بیش از یکصد هزار نفر  
نیروی کار وارد قفقاز شدند. این با  
توجه به جمعیت آن زمان ایران رقم  
کمی نیست.**

“

در جنبش تنباکو تجلی یافت که پیش در آمدی بر  
انقلاب مشروطه است.

**امتیاز توتون و تنباکو را عنوان فصلی مهم در  
آغاز بیداری توده ایرانیان برشمرده اند. گفته  
می‌شود طی معاهده تالبوت که با انگلیس  
امضا شد، مقرر بود کمپانی انگلیسی مبلغی  
در حدود ۱۵ هزار لیره سالانه به دولت ایران  
پرداخت کند. این در حالی بود که همسایه  
ایران عثمانی به رغم داشتن میزان صادرات  
تنباکوایی پایین‌تر، مبلغی بیش از تنباکوی  
ایران یعنی ۷۰۰ هزار لیره از همان کمپانی  
دریافت می‌کرد. این مساله چگونه بین افکار**

عامیون را در شهرهای ایران به ویژه در تبریز  
تاسیس کردند. بنابر این تاثیر فضای سیاسی و  
فکری قفقاز بر ایران غیر قابل انکار است. هم از  
جهت تاسیس سازمان‌ها و انجمن‌های سیاسی  
و هم از حیث ورود اندیشه‌های جدید به ایران و  
نیز از حیث تاثیرگذاری روزنامه‌های قفقاز مانند  
ملا نصرالدین بر فضای سیاسی و فکری ایران در  
ادامه سوال قبلی باید به این نکته هم اشاره کرد  
که ما در کنار مسایل اقتصادی با یک تغییرات  
اجتماعی و فرهنگی نیز روبرو هستیم بدین معنا  
که در دوره قاجار با یک سری اندیشه‌های جدید  
که خاستگاه غربی دارد روبرو می‌شویم نظیر  
حقوق آزادی مطبوعات و اجتماعات، عدالتخواهی  
و ورود این اندیشه‌ها تاثیر بسیار زیادی بر مردم  
ایران گذاشت. اندیشه‌هایی که از سوی میرزا  
ملکم خان ناظم الدوله میرزا فتحعلی آخوندزاده  
سید جمال‌الدین اسدآبادی، میرزا آقاخان کرمانی،  
عبدالرحیم طالبوف و زین‌العابدین مراغه‌ای  
مطرح گردید و آنها بنیادهای تفکر جدید را در  
ایران می‌ریزی کردند. این متفکران با نوشتن  
مقالات و یادداشت‌هایی در روزنامه‌های فارسی  
زبان خارج از کشور و با نگارش کتابهایی که وارد  
ایران می‌شده نقشی مهم در بیداری فکری ایرانیان  
بازی کردند. بنابراین اگر این تغییرات اجتماعی و  
بیداری فکری را در کنار تغییرات اقتصادی که مورد  
بحث قرار گرفت بررسی کنیم، می‌توانیم مدعی  
شویم که در اواخر قرن ۱۹ نطقه یک تغییر بزرگ در  
ایران بسته شد نخستین حرکت برای دگرگونی نیز



کردند. در خلال این سال‌ها و اواخر قرن ۱۹ بیش  
از یکصد هزار نفر نیروی کار وارد قفقاز شدند. این  
با توجه به جمعیت آن زمان ایران رقم کمی نیست.  
بعدها این رقم تادو و دو و نیم برابر نیز افزایش  
پیدا کرد. یعنی در اوایل قرن بیستم با خیل  
عظیمی از ایرانیانی مواجه هستیم که در جستجوی  
کار مهاجرت می‌کنند. مهاجرت خود یک پدیده  
اقتصادی و اجتماعی است و خود تیمات سیاسی  
و اجتماعی نیز به دنبال می‌آورد. این امهاجون  
مهاجرین یا افکار و اندیشه‌های اصلاح‌گرایانه  
انقلابی و رادیکال آشنا شوند. این عدد کارگران  
فصلی بودند و طی سال بارها به ایران تردد  
می‌کردند. این کارگران مهاجر، وقتی بازمی‌گشتند.  
حامل افکار و اندیشه‌های جدید به عامل سببی  
می‌شود برای

ظهور یک طبقه جدید در ایران که در بروز انقلاب  
مشروطه بسیار موثر افتاد. بنابراین اگر از این زوایه  
به انقلاب مشروطه نگاه کنیم در خواهیم یافت که  
جامعه ایران، با یک تغییرات اقتصادی مواجه شد  
که به دنبال خود، پدیده‌های اجتماعی و جریانات  
سیاسی را ایجاد نمود.

**اشاره کردید به خیل گسترده این مهاجرت‌ها  
به روسیه و قفقاز، اشاره ای هم داشته باشید  
به وضع اقتصادی و سیاسی حاکم در قفقاز  
و اینکه در آن سالها، وضعیت سیاسی و  
اجتماعی در قفقاز چگونه بود؟**

روسیه و قفقاز موقعیت ویژه و بخصوصی داشت.  
صنایع روسیه و قفقاز در سال‌های پایانی قرن ۱۹  
رشد و توسعه فراوانی یافته بود. صنایع نفتی پاکو  
که مرکز صنعتی قفقاز به ر می‌رفته رشد فزاینده‌ای  
یافت بسیاری از کارگران مهاجر ایرانی در مراکز  
متمتی پاکو و دیگر شهرهای قفقاز کار می‌کردند.  
در ساخت راه آهن و معادن و کارهای دیگر  
رشد اقتصادی قفقاز با ظهور طبقه جدید کارگر  
صنعتی نیز همراه بود و اندیشه‌های مارکسیستی  
و سوسیالیستی نیز در همین زمان به میان آنها  
راه یافت ترابط اقتصادی و اجتماعی قفقاز سبب  
گردید سازمان‌های سیاسی در آنجا شکل بگیرد که  
می‌توان به سازمان همت اشاره کرد که گویا با حزب  
سوسیال دموکرات و روابطی داشت. انقلاب روسیه  
بر قفقاز تاثیر فراوانی نهاد. در سال ۱۹۰۵ میلادی  
فرقه اجتماعیون عامیون توسط برخی از ایرانیان  
مهاجر در باکو تاسیس شد که عمدتاً در مسیر  
احقاق حقوق کارگران گام بر می‌داشت. اندیشه  
حاکم بر اجتماعیون عامیون استبدادستیزی و  
برقراری عدالت اجتماعی بود. این ایرانیان با  
ایران مرتبط بودند و تمبه‌هایی از اجتماعیون



**ما در نیمه دوم قرن ۱۹ با یک سری تغییرات عمده روبرو هستیم، تغییراتی که طی آن بار رشد گسترده مناسبات تجاری و اقتصادی ایران با دنیای غرب رقم می خورد. این گسترش مناسبات عمدتاً با دو کشور انگلیس و روسیه صورت می پذیرد. اگر حجم معاملات تجاری ایران با روس ها و انگلیسی ها در اواخر قرن ۱۹ مورد بررسی قرار گیرد، مشاهده خواهد شد که یک رشد فزاینده ای نسبت به صدر و میانه تاریخ قاجار صورت گرفته است.**



### عمومی ایرانیان بازتاب پیدا کرد و نتایج آن چه شد؟

جنبش تنباکو، یا به عبارت دیگر امتیاز توتون و تنباکو به عنوان یکی از نقاط عزمیت بیداری فکری مردم ایران به شمار می رود. از این جنبش می توان به عنوان طلایچه و پیش در آمد انقلاب مشروطه ایران یاد کرد. ما در دوره ناصری به ویژه در اواخر این دوره شاهد اعطای امتیازات فراوانی به خارجی ها هستیم، چه دول خارجی و چه تجار و شرکت های مختلف خارجی. یکی از آنها امتیاز توتون و تنباکوست که در ۱۸۹۰ میلادی به یک شرکت انگلیسی اعطا می گردید.

مقدمه این قرارداد در سفر سوم ناصرالدین شاه به اروپا یکسال قبل از قرارداد مذکور بسته شد. وی وقتی باز می گردد. نمایندگان شرکت انگلیسی به ایران می آیند و این قرارداد را با ناصرالدین شاه به امضا می رسانند. این امتیاز که به عنوان امتیاز تالیوت یا رژی نیز معروف است، در تاریخ سیاسی ایران بسیار موثر است و از آن به عنوان یکی از سر آغازهای انقلاب مشروطه و بیداری توده های ایرانیان یاد شده است. در جنبش تنباکو ائتلاف بزرگی شکل گرفت. این ائتلاف در ظاهر، اختلاف ناهمگونی است که اتفاق می افتاده، چرا که ائتلاف ویژه ای از بازرگانان، علما، توده های فرودست شهری و روشن فکران همدیگر را همراهی کردند. این به یک سخن یک اختلاف ناهمگون است. چرا که به نظر می رسد این اختلاف نشدنی است. ولی

در اینجا اتفاق افتاد. در بررسی امتیاز رژی، اما باید یاد آور شد که این امتیازی است که در واقع به یک شرکت انگلیسی داده شد. در نتیجه این امتیاز نامه کل نظارت بر روند کشته برداشت و خرید و فروش تنباکو به شرکت انگلیسی تالیوت واگذار می شود. یعنی کشاورز ایرانی حق فروش کالای خودش را ندارد. حتی بازرگان ایرانی بدون اجازه نماینده شرکت حق فروش محصول کشور خودش را ندارد. خب! در برای چه چیزی این امتیاز واگذار می شود؟ ۱۵ هزار لیبره در سال و یک چهارم سود سالانه در کشور! همزمان با این قرارداد در دولت عثمانی امتیاز توتون و تنباکو به یک شرکت خارجی داده می شود که مبلغی که عثمانی می گیرد بسیار بیشتر از مبلغی است که با ایران بسته شده است. در اینجا ما شاهد این هستیم که دولت ایران عملاً حقوق ملت ایران را پایمال می کنند. یعنی حق مردم ایران را در ارتباط با یک کشور خارجی و برای حل مشکل اقتصادی که خودش درگیر آن است دارد پایمال می کنند. یک فضای غیر عادلانه ای را ایجاد می کنند. واکنش هایی که در قبال امتیاز توتون و تنباکو شکل می گیرد بسیار قابل توجه است. این واکنش ها همان هایی هستند که به آن اشاره شد. یعنی اجتماع و ائتلاف گروه ها و طبقات مختلف و توده ها نظیر روحانیون، توده های شهری و روستایی، تجار و روشنفکران.

### نقش روشن فکران در روشنگری توده ها را در جنبش تنباکو را چگونه ارزیابی می کنید؟ آنچه بسیار مهم است بررسی نقش افرادی است





استبداد بایستند. این پیامد دیگری هم داشت و آن اینکه دولت قاجار به این نتیجه رسید که متوجه سیاست‌های خود باشد. یکی دیگر از مهم‌ترین جنبه‌های این جنبش کشته شدن ناصرالدین شاه بدست میرزای کرمانی بود که خود وی از نزدیکان و مریدان سید جمال بود. یعنی کشته شدن ناصرالدین شاه را نمی‌توان جدا از اعطای این امتیاز در نظر گرفت.

در سال ۱۳۱۳ قمری، میرزا رضای کرمانی، ناصرالدین شاه را ترور کرد. او کاملاً تحت تأثیر اندیشه‌های سید جمال الدین اسدآبادی بود. وقتی ریشه‌های قتل را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که در امتداد جنبش تنباکو اتفاق می‌افتد و وقتی بیشتر بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که می‌بایست این جنبش دیباچه و طلیعه انقلاب مشروطه به شمار آید که اگر این اتفاق نمی‌افتاد، شاید انقلاب مشروطه هم به این سرعت به وقوع نمی‌پیوست. موخره - انقلاب مشروطه ایران مقوله‌ای است که به مثابه یک انقلاب عظیم تأثیرات خود را بر بدنه اجتماع، سیاست، اقتصاد و فرهنگ ایران نهاده است.

تمام رویدادهای سیاسی بعد از انقلاب مشروطه منبعت از شعارها و آرمانهای این انقلاب بوده‌اند و شهد شیرین مشروطه تاکنون شهدای زیادی را به کام خود گرفته‌است. بازشناسی اهداف و آرمانهای مشروطه در کنار بررسی وضعیت فعلی آن بعد از یکصد و شش سال زمینه مناسبی برای پرداخت جدی به این مقوله است. مقوله‌ای که لازم است همواره مورد توجه ویژه قرار گیرد.

”

## ایرانیان بازتاب پیدا کرد و نتایج

### آن چه شد؟ جنبش تنباکو، یا به

### عبارت دیگر امتیاز توتون و تنباکو

### به عنوان یکی از نقاط عزیمت

### بیداری فکری مردم ایران به شمار

### می‌رود. از این جنبش می‌توان

### به عنوان طلیعه و پیش در آمد

### انقلاب مشروطه ایران یاد کرد. ما

### در دوره ناصری به ویژه در اواخر

### این دوره شاهد اعطای امتیازات

### فراوانی به خارجی‌ها هستیم،

“

که در این روشن‌گری‌ها نقش داشتند. فضای اختناق و سرکوب در داخل به حدی بود که بسیاری از مخالفین و منتقدان رژیم قاجار در خارج از کشور زندگی و فعالیت می‌کردند و به دلیل فضای استبداد در داخل کشور امکان فعالیت در ایران را نداشتند. از جمله این منتقدین می‌توان به میرزا ملکم خان ناظم الدوله اشاره کرد و مخصوصاً روزنامه قانون که متعلق به وی بود. روزنامه قانون به همراه روزنامه اختر که در استانبول چاپ می‌شد، نقش مهمی در افشاگری و روشنگری در قبال امتیاز تنباکو داشت. روزنامه اختر دو مقاله بسیار مهم و تأثیرگذار چاپ کرد. این روزنامه توسط روشنفکران آذری در استانبول چاپ می‌شد که هم از نظر مالی و هم از نظر فکری این روزنامه را تغذیه می‌کردند. در آن دو مقاله مساله توتون و تنباکو مورد بررسی گسترده قرار گرفته بود و همین دستاویزی شد تا انتقادات تند و گزنده‌ای را از دولت قاجار داشته باشد. البته می‌بایست درباره اندیشه عقاید و نوشته‌های میرزا ملکم خان قدری تأمل نمود به نظر می‌رسد جنس انتقادات روزنامه اختر که در اخلاص و صداقت گردانندگان آن تردیدی نیست، با جنس انتقادات میرزا ملکم خان در روزنامه قانون تفاوت داشت که فعلاً جای بحث آن نیست.

فرد دیگری که نقش ارزنده‌ای در حرکت علیه امتیاز توتون و تنباکو داشته، سید جمال الدین اسدآبادی بود. او در روزنامه قانون با ملکم خان همکاری داشت و تأثیر زیادی بر ملکم گذاشته بود. او نامه‌های زیادی به علمای شیعه در عتبات عالیات و ایران نوشت و آنان را متوجه عمق مرجعیت شیعه نقشی مهم و تأثیرگذار در این برهه داشته و نباید از این مساله غافل شد. این برای اولین بار در تاریخ قاجار، مرجعیت شیعه در خصوص مساله‌ای مربوط به دولت، وارد یک اقدام عملی گردید و حکم به مقابله و تحریم داد.

## اما نتیجه این لغو امتیاز چه می‌توانست باشد؟

اشاره کردیم که اتحاد ناهمگونی از تجار، روشن‌فکران، علما و توده‌های شهری و روستایی در مقابله با امتیاز تنباکو به وجود آمد و در کنار آن تبعات لغو امتیاز توتون و تنباکو بسیار قابل توجه است. شاید مهم‌ترین آن، این باشد که مردم ایران به این باور رسیدند که می‌توانند در برابر استعمار و استبداد مقاومت کنند. برای اینکه این امتیاز هم جنبه استبدادی داشت و هم جنبه استعماری. در این جنبش ما شاهد هستیم که ملت ایران به این خود باوری رسید که مقابل استعمار و



## برنامه های سالروز صدور فرمان مشروطه حوزه هنری انقلاب اسلامی آذربایجان شرقی مرداد ۱۴۰۲

**۱** اجرای نمایش صحنه‌ای  
**آ شیخ محمد**  
شنبه ۱۴/۵/۱۴۰۲ ساعت ۱۸  
تئاتر شهر تبریز

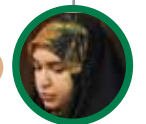
**۲** نشست پژوهشی تحلیل طنز مطبوعات و تاثیر آن بر مشروطه  
دوشنبه ۱۶/۵/۱۴۰۲ ساعت ۱۷  
خانه شهوت اولفون تبریز (آرکانشاسی)  
سخنران: دکتر محمد عزیز راد

**۳** در کوجه های مشروطه:  
روایت میدانی حوادث مشروطه  
در حکم آباد و دوه چپی  
سه شنبه ۱۷/۵/۱۴۰۲ ساعت ۱۳:۳۰ صبح  
سخنران: کریم میمنت نژاد  
حکم آباد (یک تابلو پوسف خان) و  
خانه عروه سفال واقع در شمس لجروی

**۴** مشروطه پرافتخار،  
بررسی نقش تبریز در مشروطه  
به همراه اکران مستند از عدلیه تا مشروطه  
یکشنبه ۱۴/۵/۱۴۰۲ ساعت ۱۷  
پدیس سینمایی ۳۹ بهمن  
سخنران: حجه الاسلام دکتر سید حسین علی‌نساب

# روایتی از هفته بزرگداشت سالروز صدور فرمان مشروطه در تبریز

لیلا حسین نیا



اشاره - پانزدهم مرداد ماه، در تقویم رشادت و آزادی خواهی ایران به نام انقلاب مشروطه رقم خورده است. حرکتی که رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره آن گفته اند: «به مشروطه افتخار کنید و مشروطه را جز نقطه عطف تاریخ ایران بدانید.» تبریز به عنوان خاستگاه و حامی اصلی جنبش مشروطه نقش اساسی و تاثیرگذاری در شکل گیری این جنبش و حفظ آن برای ایران داشته است. با توجه به همه این عوامل حوزه هنری انقلاب اسلامی آذربایجان شرقی امسال تصمیم گرفت تا برنامه های گرامیداشت سالروز صدور فرمان مشروطیت را در قالب برنامه ای یک هفته ای شکل دهد. این ایده تلاشی است در جهت رویداد سازی و جلب توجه عموم اهالی شهر تبریز و به ویژه مخاطبان حوزه فرهنگ و هنر.

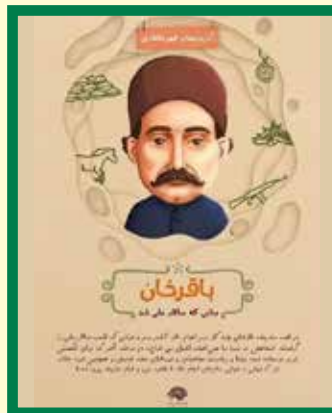
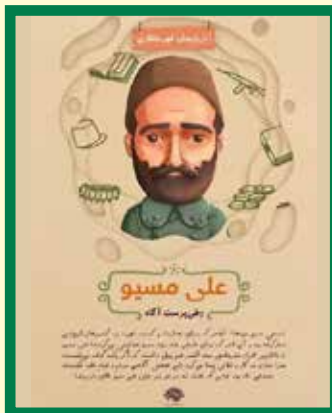
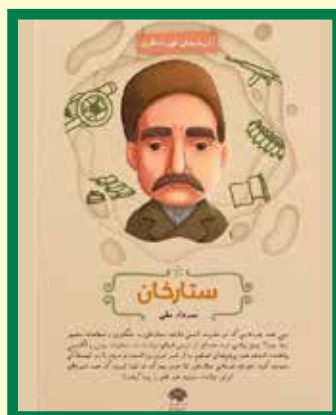
از این رو برنامه های هفته گرامیداشت سالروز صدور فرمان مشروطیت از روز شنبه شانزدهم مرداد ماه تا روز چهارشنبه هجدهم مرداد ماه توسط حوزه هنری انقلاب اسلامی استان برگزار شد و طی این چند روز نشان داد که هنوز بخش های بسیاری از روایت مشروطه ناکفته مانده است و هنوز مردم دوست دارند تا درباره مشروطه بشنوند. آنچه در ادامه می آید گزارشی است از مجموع برنامه های انجام شده در این هفته.

## گزارش برنامه‌های بزرگداشت سالروز صدور فرمان مشروطه در تبریز

# مردم صدای تیر ستارخان را می‌شناختند

### قدم اول، برای کودکان و نوجوانان

باید قبول کرد که هیچ جریان‌سازی فرهنگی جز با پی‌ریزی دقیق و سرمایه‌گذاری برای کودکان و نوجوانان به نتیجه نخواهد رسید. اولین و مهم‌ترین برنامه حوزه هنری انقلاب اسلامی تبریز در هفته بزرگداشت مشروطه با چند تصویرسازی برای کودک و نوجوان در قالب «مجموعه رجال مبارز مشروطه» آغاز شد. تصویرسازی کودکانه برای چهره‌های مشروطه با هدف معرفی این نامداران به کودکان و نوجوانان با محوریت ثقه‌الاسلام، شیخ محمد خیابانی، ستارخان، باقرخان، علی مسیو و میرزا اسماعیل نوبری با توضیحی به زبان کودکانه با استقبال مخاطبان مختلف مواجه شد. تصاویر سیاه و سفید و کهنه همیشگی با قلم مائده خانلو هنرمند تبریزی به چهره‌هایی شاداب و بشاش تبدیل شدند که ذهن خلاق کودکان و نوجوانان را به خویش فرا می‌خوانند.



## مشروطیت

### «آشیش محمد» روایتی از سلحشوری یک روحانی روشنگر

شهید شیخ محمد خیابانی از جمله چهره‌هایی بود که در عصر مشروطه به روشنگری در میان مردم پرداخت و در این راه کشته شد. روز نخست هفته بزرگداشت سالروز صدور فرمان مشروطیت، با آغاز اجرای نمایش «آشیش محمد» همراه بود. این نمایش به همت حوزه هنری تبریز و به کارگردانی علی مجیدپور و با متنی از نادر ساعی‌ور و بازی میثم حبیبی در نقش آشیش محمد شکل گرفته است و به ایامی اشاره دارد که در



فعالیت ایفا می‌کند. روایت حوادث زندگی شیخ محمد خیابانی که دارای بار دراماتیک است، پرداختی است به یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین ادوار تاریخ معاصر ایران.



آن مردم آذربایجان درگیر مقابله با استبداد حاکم بودند و در این میان شیخ محمد خیابانی به عنوان یکی از چهره‌های عدالت‌خواه، مبارز و موثر این دوره و از اسطوره‌های فراموش‌نشده آذربایجان، نقش

## مشروطه پرافتخار، از عدلیه تا مشروطه



روز دوم از برنامه‌های هفته بزرگداشت سالروز صدور فرمان مشروطه در حوزه هنری تبریز به برنامه‌ای با عنوان «مشروطه پرافتخار» به بررسی نقش تبریز در جنبش مشروطه پرداخت. این برنامه که با استقبال قابل توجه علاقمندان همراه بود، روز یکشنبه ۱۵ مرداد ماه در محل پردیس ۲۹ بهمن تبریز با سخنرانی حجه الاسلام دکتر سید حسین علیانسن برگزار شد. در این برنامه فیلم مستند «از عدلیه تا مشروطه» نیز اکران شد و مخاطبان و کارشناسان پیرامون این مستند گفتگو کردند.

مشروطه

## هم‌نشینی با طنازان مشروطه چی



دوشنبه شانزدهم مرداد ماه سومین روز از برنامه‌های هفته بزرگداشت سالروز صدور فرمان مشروطه در حوزه هنری تبریز با حال و هوای طنز مطبوعاتی همراه بود. نشست پژوهشی «تحلیل طنز مطبوعات و تاثیر آن بر مشروطه» در محل سالن جلسات بنیاد ایرانشناسی شعبه آذربایجان شرقی واقع در خانه تاریخی شربت اوغلی با سخنرانی دکتر محمد عزیزی‌راد، روزنامه‌نگار و پژوهشگر تاریخ مطبوعات برگزار شد. در این نشست ابتدا تاریخچه‌ای از ظهور و حضور طنز در مطبوعات عصر مشروطه به سمع حاضرین رسید و سپس به تحلیل نقش این نوع ادبیات در قیام مشروطه و وقایع بعد از آن پرداخته شد.



یادماندنی‌ترین جملات هفته بزرگداشت سالروز صدور فرمان مشروطه شاید در همین برنامه و از زبان استاد میمنت‌نژاد بازگو شد: «مردم صدای تیر ستارخان را می‌شناختند.»



روایت شهادت جد اعلایش نایب یوسف حکم آبادی یکی از دلاوران عصر مشروطه خواهی را برای مخاطبان بازگو کرد. لذت بازخوانی وقایع در بطن محلی که اتفاق افتاده بود در چهره مخاطبان دیده می‌شد. یکی از به

یکی از جذاب‌ترین بخش‌های هفته بزرگداشت سالروز صدور فرمان مشروطه در حوزه هنری انقلاب اسلامی تبریز که با استقبال مخاطبان همراه بود، گردش دسته جمعی در دو محله از محلات موثر در قیام مشروطه یعنی محله شتریان و حکم‌آباد و توضیح و شرح وقایع مهم این دو محله توسط استاد کریم میمنت‌نژاد بود. این تور شهری روز سه‌شنبه هفدهم مرداد ماه از مقابل حوزه هنری تبریز آغاز شد. اتوبوس گردشگری، علاقمندان و مهمانان را به محله شتریان رساند. در خانه تاریخی علوی که این روزها عنوان موزه سفال را دارد، استاد کریم میمنت‌نژاد تاریخ پژوهش و مشروطه‌شناس منتظر حضور مهمانان بود. این استاد با توضیحی درباره وقایع مشروطه در تبریز مهمانان را همراهی کرد. پس از گشتی در خانه علوی، اتوبوس مشروطه‌گردی مسافران را به محله حکم‌آباد رساند. در این محله استاد میمنت‌نژاد



گفتگو با علی مجیدپور کارگردان نمایش «آشیخ محمد»

## به شیخ گفتم؛ ما را حمایت کن!

فرهاد باغشمال



اشاره. در کوران اجراهای نمایش «آشیخ محمد» از علی مجیدپور کارگردان نمایش خواستم که یک ساعتی را مجال گفتگو در باره این نمایش بدهد. برای کسی مثل او که در یک جا آرام و قرار ندارد، تعیین وقت سخت بود و با چند بار قرار و مدار نافرجام در قبل از ظهر پنجشنبه ۱۹ مرداد در اتاقی به گفتگو نشستیم که ارک بزرگ تبریز شاهد حرف‌های ما بود از دیروز و پریروز و مشروطه و آدم‌های بزرگ آن دوران.

و بعدها به مبارزات ادامه داده و در راه هدف از جانفش گذشت. این مظلومیت و زیبایی زندگی ایشان مرا به این فکر انداخت که درباره ایشان مطالعه کنم و این مطالعات مظلومیت شان را بیشتر مشخص کرد. به عنوان کسی که سال ها در زمینه هنرهای نمایشی کار کردم تصمیم گرفتم زندگی ایشان را در قالب هنر نمایش عرضه کنم.

### با متن نمایش آشیخ محمد چگونه آشنا شدید آیا خودتان آن را به نادر ساعی و سفارش دادید؟

متن نمایش سفارش حوزه هنری آذربایجان شرقی به آقای نادر ساعی و نادر بود. من به واسطه آقای میثم حبیبی، مدیر دفتر هنرهای نمایشی این نهاد با متن مواجه شدم و خواندم. «آشیخ محمد» کار بسیار خوب و با رویکرد تازه ای بود. نثر و ادبیاتی داشت که مخاطب را با خودش همراه می کرد. خوشحالم که با وجود سختی های زیاد در طول انجام کار این نمایش در حال حاضر با استقبال خوب مخاطبان روی صحنه می رود.

### با توجه به حواشی مرتبط با کارهای تاریخی به ویژه در منطقه ما و این که هر فکر و قشری سعی در مصادره شخصیت های تاریخی به سمت خود دارد، آیا از اجرای چنین نمایشی ترس و واهمه نداشتید؟

من و دوستانم که در این کار همراه هستیم، به هر قیمتی پای اعتقادمان می ایستیم. در موارد این چنینی با انواع و اقسام روش ها و راه ها می خواهیم با هنرمند مقابله کنند. به ویژه یک موضوع بسیار وحشتناک درباره کشته شدن شیخ مطرح کردند. این باعث می شد که دست به عصاتر

### آیا به امضای مولف در اثر نمایشی اعتقاد دارید و این کار را در آثار خود انجام می دهید؟

تقریباً یک اتفاق خاص در اجراهایم دارم. شاید خود من متوجه نباشم اما فضای بسیاری از نمایش هایم شبیه به هم می شود. شاید برخی از بزرگان هم به این موضوع ایراد بگیرند اما تقریباً در نمایش می توان گفت که کاری است که علی مجیدپور برایش زحمت کشیده است. این یک اتفاق قراردادی و عمدی نیست اما حتماً یک سری تشابهات و اتفاقاتی است که کارها را شبیه به هم می کند.

### نمایش «آشیخ محمد» چگونه در مسیر زندگی کاری شما قرار گرفت؟

در چند نمایش که به جریانات دوران مشروطه ارتباط داشت مثل نمایش های ستارخان و باقرخان تعلق خاطر خاصی پیدا کرده بودم، نه فقط به خود مشروطه بلکه به تمام آن انسان هایی که برای پیشرفت جامعه زحمت کشیده بودند. کسانی که در زمانش از جان، مال، خانواده و وقتشان گذشتند تا جامعه ما امروز به اینجا برسد که روی پای خودش بایستد. شیخ محمد خیابانی هم یکی از پیشگامان انسان های بزرگ بود. در وقایع تاریخی ۱۰۰ سال اخیر مثل انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس برخی از افراد و قهرمان ها بسیار زیاد و خوب مطرح شده اند اما برخی در گمنامی مانده اند. افرادی مثل ثقه الاسلام، علی مسیو و دواجی هم جزو همین گروه هستند. شیخ محمد خیابانی هم از این مظلومان دوران مشروطه است که حتی در خود تبریز هم زیاد به زندگی شان پرداخته نشده است. این شهید عزیز برای مشروطه زحمات زیادی کشیده و به وقتش در برابر تبعید تمکین کرده

### خودتان را معرفی کنید. کار نمایش را از کجا شروع کردید و تا رسیدن به این مرحله چه مسیری را طی کردید؟

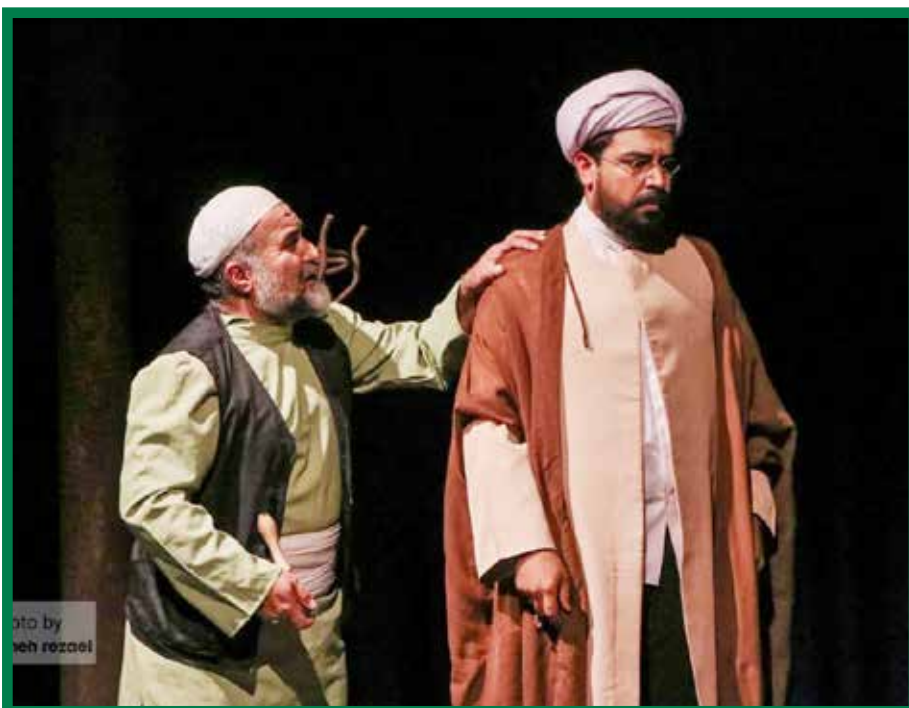
«باید استاد و فرود آمد در آستان دری که کوبه ندارد. که اگر به گاه آمده باشی دربان در انتظار توست و اگر ناگاه در کوفتنت را هیچ اتفاقی نیست.»  
۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۲ صبح ساعت ۱۰ دقیقه به ۶ به دنیا آمدم و از آن روز هر روز همین ساعت بیدارم و خدا را شکر می کنم. خدا را شاکرم که با مقوله نمایش آشنا شدم و نمایش همان دری بود که کوبه نداشت و به گاه آمده بودم. تحصیلاتم کارشناسی ارشد کارگردانی نمایش است. در این مسیر اساتیدی بودند که به من کمک کردند و به رحمت خدا رفته اند مثل مرحوم اسد صادقی و اساتیدی که هنوز در قید حیات هستند مثل حمید فرج زاده، شهرام خدایی و سعید نجفیان که من این حضور را ارزشمند می دانم و قدردانشان هستم. این اساتید دست مرا گرفته و پا به پا جلو برده و کمک کرده اند. بسیار خوشحال و شاکرم که اساتیدی که در مسیر حرفه ای من قرار گرفتند انسان های اخلاق مداری هستند و تاکیدشان این بود که اخلاقیات را به هنر ترجیح دهم. امیدوارم که بتوانم شاگرد خوبی برای آن ها باشم.

### مهم ترین کارهای نمایشی که انجام داده اید بگویید.

من بعد از سال ها شاگردی و یادگیری از استادانم، سال ۷۹ اولین نمایشم را روی صحنه بردم که اسم آن «بعد از یک نمایش» بود. برای انجام این کار هم از اساتیدم آقای خدایی و فرج زاده اجازه گرفتم. این کار همان سال در جشنواره تئاتر سوره مقام اول کارگردانی، طراحی صحنه و بازیگری را از آن خود کرد. به عنوان اولین تجربه برایم بسیار خوب بود. در نمایش های مختلف سابقه بازی هم دارم اما اینجا فقط به کارگردانی ها اشاره می کنم. نمایش های «صیقل»، «پای ازدهاک»، «بندار بیدخش»، «مویه جمع»، «صحوری»، «مضرات دخانیات»، «بانوی آب و آینه»، «برگزین»، «آقا مهدی کجاست»، «حسین به روایتی دیگر»، «یک حبه انگور» و در نهایت نمایش «آشیخ محمد» که الان روی صحنه می رود، از جمله کارهای مهم من بودند که مخاطب بسیار خوبی را جذب کردند. آخرین نمایش قبل از نمایش «آشیخ محمد» هم نمایش «یک حبه انگور» است که در جشنواره تئاتر رضوی مقام اول را به دست آورد و اولین اثری خواهد بود که در جشنواره فجر ۱۴۰۲ به روی صحنه می رود.

### شما علاوه بر کارگردانی در نمایشنامه نویسی هم دستی بر قلم دارید. بیشتر ترجیح می دهید کارهای خودتان را اجرا کنید یا ملاک های دیگری برای انتخاب متن دارید؟

نه! هر نمایشنامه، متن و طرحی که بتواند نظرم را جلب کند و قانع شوم که اجرای خوبی از آب در می آید، کار می کنم. بنابراین با کارهایی که بتوانم هم قدم و همراه شوم و کار را جلو ببرم حتما همکاری می کنم و وسواسی ندارم که حتما نوشته های خود را اجرا کنم.



oto by  
ven rozael

## کار «آشپز محمد» دیالوگ محور است و بازیگران فعالیت زیادی در صحنه ندارند. این موضوع به طراحی خود شما مربوط است؟

من همین جا از آقای میثم حبیبی تشکر می‌کنم. این بازیگر در زمان بسیار اندکی به گروه اضافه شد و خیلی خوب پیش آمد. حبیبی با وجود داشتن تکنیک کاملاً ارتباط حسی با شیخ محمد برقرار کرد و کار را هم خوب پیش برد. در باره موضوع تحرک صحنه بخشی از کار به تکنیک و سلیقه کارگردانی برمی‌گردد. من دوست نداشتم مخاطب وقتی از سالن نمایش بیرون می‌آید خود را مجاهد و در جایگاه شیخ محمد بداند. بیشتر دوست دارم مخاطب به این نتیجه برسد که عجب! این وجه از زندگی شیخ هم وجود داشت. سیاست و مقاومت فردی هم وجود داشته و مشروطه صرفاً صدای توپ و تفنگ نبود. سنگینی در اجرای نمایش جزو درخواست‌های من است و برای رسیدن به این سیستم چند صحنه را با اجازه نویسنده محترم حذف کردیم. با این سوال شما به این نتیجه رسیدیم که دوستان من به این موضوع واقف شده و اجرا در مسیر درستی پیش می‌رود.

## در این نمایش بسیاری از شخصیت‌های مطرح گذشته این شهر مثل محمد علی تربیت هم حضور دارند. چطور توانستید این شخصیت‌ها را در کنار هم به این خوبی پرداخت کنید که مخاطب را راضی کند؟

من در این نمایشنامه با شخصیت‌های بزرگ به مثابه دانه‌های تسبیح مواجه بودم که با نخ قوی به اسم شیخ محمد خیابانی، آن‌ها را کنار هم جمع کردم. من به توکل باور دارم به شیخ گفتم ما را حمایت کن! برای نشان دادن و شناساندن شخصیت‌های مهم زمان بسیار کمی هم در اختیار داشتیم و این موضوع خود به سختی‌های کار می‌افزود.

## شما چقدر از اجرای این نمایش در دیگر شهرهای ایران و حتی کشورهای همسایه مثل ترکیه و آذربایجان با وجود سختی‌هایی که وجود دارد، استقبال می‌کنید؟

شاید این اجرا در شهرها و کشورهای دیگر هم با استقبال روبرو شود اما من اعتقاد دارم که ما باید ابتدا این شخصیت را درون مرزها و در شهر خودمان بشناسانیم. یک تبریزی برای این که جهانگردی را آغاز کند باید موزه‌های و خانه‌های قدیمی تبریزی را به خوبی بشناسد. شخصیت شیخ محمد را هم ابتدا باید در شهر بشناسانیم. در مرحله بعد شهرهای پیرامون و شهر تهران قرار بگیرد. بعد از آن می‌توانیم به کشورهای دیگر هم اجرا فکر کنیم. ما هم مشتاقانه در خدمت هستیم.

## از شما ممنونم که فرصت این گفتگو را فراهم کردید. دست شما و گروه نمایش‌تان را به گرمی فشاریم. امیدوارم کار بعدی که از شما می‌بینیم مربوط به «محمد علی تربیت» باشد!



۹۹

## در چند نمایش که به جریانات

## دوران مشروطه ارتباط داشت

## مثل نمایش‌های ستارخان و

## باقرخان تعلق خاطر خاصی

## پیدا کرده بودم، نه فقط به

## خود مشروطه بلکه به تمام آن

## انسان‌هایی که برای پیشرفت

## جامعه زحمت کشیده بودند.

## کسانی که در زمانش از جان،

## مال، خانواده و وقتشان گذشتند

## تا جامعه ما امروز به اینجا برسد

## که روی پای خودش بایستد.

## شیخ محمد خیابانی هم یکی از

## پیشگامان انسان‌های بزرگ بود.

۶۶

راه برویم تا این که نامه‌ای اصیل کشف شد که یک قزاق تبریزی به فرمانده‌اش می‌نویسد که در جریان کشتن و شهادت شیخ محمد خیابانی حاضر بودم. این موضوع باعث شفاف‌تر شدن موضوع شهادت شیخ محمد خیابانی شد. خیال‌مان از این بابت راحت شد و مصمم‌تر به راه خود ادامه دادیم و با خودم گفتم که این هم ستاره جدیدی است که مسیر ما را روشن‌تر می‌کند. شیخ محمد برای این شهر و کشور جانش را فدا کرده است. بنابراین هزینه دادن در راه چنین اشخاصی حداقلی‌ترین کار ممکن است.

## با توجه به محتوای سنگین کار از فرایند انتخاب بازیگر بگوئید.

کار هر چقدر که سخت‌تر و سنگین‌تر باشد نتیجه آن لذت بخش‌تر است. در سلیقه کارگردانی خودم برای کاراکترهای مختلف ۲ بازیگر انتخاب می‌کنم. هیچ وقت به نفر سوم فکر نمی‌کنم. اگر نفر اول و دوم نباشند کار را تعطیل می‌کنم اما به انتخاب نفر سوم نمی‌رسم. انتخاب بازیگر برای یک نقش جزو اصلی‌ترین مقوله‌های یک نمایش است. چون باورم این است که این فرد آن شخصیت را بازآفرینی می‌کند. برای مثال هیچ کس نمی‌تواند نقش مالک را مثل داریوش ارجمند بازی کند یا آقای فتحی توانست عمروعاص را در زندگی معاصر ما معنی ببخشد و زنده کند. ما مسیر سختی را رفتیم و این سختگیری در انتخاب بازیگر هم مزید بر علت بود. این کار به خاطر یک سری تاملات و اتفاقات متوقف شد و ما دوباره شروع کردیم. بعضی از دوستان نتوانستند کنار ما بمانند مجبور شدیم که از دوستان دیگری دعوت به همکاری کنیم. برخی از دوستان که از قبل به عنوان نفر دوم انتخاب شده بودند اما برخی از کاراکترها هم که نفر دوم نداشتند در همین زمان به تیم اضافه شدند و به لطف خدا من برای هیچ کاراکتری سراغ نفر سوم نرفتم.



حاشیه‌نگاری از گردشگری در بستر تاریخی مشروطه

# یک گلوله، سهم قلیان شجاع الدوله

نفیسه صبحی



مشروطه خبر دارند کارشان راه بیافتد و هم آنان که تازه می‌خواهند فرق دوه چی و حکم آباد را بفهمند! ۴. اتوبوس مشروطه‌گردی از کوچه‌های تاریخی تبریز می‌گذشت تا به محله شتریان یا همان دوه چی خودمان برسد. داخل یکی از کوچه‌های قدیمی و پر پیچ و خم، خانه تاریخی علوی که امروز موزه سفال نام گرفته در انتظار مشروطه‌گردان بود. خانه ساکت و دنجی بود و من خیال می‌کردم خانه یکی از مجاهدان مشروطه بوده و قرار است شرح دلوری صاحبش را از زبان استاد بشنویم. اما کریم میمنت‌نژاد قصه را طور دیگری چیده بود. اعضای گروه در سالن اصلی خانه ایستاده بودند و میمنت‌نژاد داشت درباره محله دوه چی و نقشش در جریان انقلاب مشروطه توضیح می‌داد. نور ملایم دلنشینی سالن را پر کرده بود. استاد میمنت‌نژاد توضیح داد که این خانه، خانه یکی از مخالفان سرسخت مشروطه بوده که توسط ستارخان به آتش کشیده شده بود! بعد از تمام شدن توضیحات استاد

میمنت‌نژاد جمع شدند. خانم راهنما از مقصد هم خبری ندارد و به سبب دیگر اتوبوس‌های گردشگری مقصدهای مختلفی را نام می‌برد. اهالی به اتفاق او را راهنمایی می‌کنند که ما مقصد دیگری داریم و برنامه دیگری! خلاصه که قانع می‌شود تا صبوری کند و با برنامه حوزه پیش برود. خانم خوش اخلاقی است که در نهایت متوجه هدف اصلی از این گشت می‌شود.

۳. اتوبوس تقریباً پر شده است. چند نفر از کارمندان حوزه هم همراه می‌شوند و راه می‌افتیم. فضای بشاش و علاقمندی است که نشان می‌دهد چقدر تبریز نیاز به چنین جمع‌ها و برنامه‌هایی دارد. یکی دو نفر توی اتوبوس درباره مباحث پیش رو صحبت می‌کنند. چند نفر از هم از برنامه می‌پرسند. فهمیدم که جامعه مخاطبان این گردش از یک طیف واحد نیست و این یعنی کار استاد میمنت‌نژاد سخت است. باید طوری صحبت کند که کار همه مخاطبان راه بیافتد، هم آنها که دقیق از وقایع

بزرگداشت ایام صدور فرمان مشروطه در حوزه هنری انقلاب اسلامی آذربایجان شرقی امسال تبدیل به یک هفته شد. هفته‌ای که هر روزش یک اتفاق خوب داشت. اما یکی از اتفاقات جالب توجه این هفته گردش شهری در دو محله مهم و موثر در شکل‌گیری وقایع مشروطه بود.

۱. ساعت هشت صبح خوابناک به سمت حوزه هنری می‌رفتم که دیدم یک اتوبوس بزرگ جلوی حوزه پارک شده است. قرار و پوستر ساعت ۱۰ بود ولی. خب این یعنی که کسی قرار نیست معطل اتوبوس شود.

۲. مخاطبان برنامه، گردشگران مشروطه، مشروطه‌گردان یا هر اسمی که برایش بگذاریم در اتوبوس مستقر شده‌اند. اداره کل میراث فرهنگی راهنمایی برای گروه فرستاده در حالی که گروه به عطش شنیدن سخنان استاد کریم



یوسف خان حکم آبادی، جد استاد میمنت نژاد به فرمان شجاع الدوله شقه شده است! برایم جالب بود که چطور قرار است یک نوه داستان شقه شدن پدر بزرگش را تعریف کند! ابتدای برنامه از استاد میمنت نژاد پرسیدم که چطور این داستان را روایت می‌کند؟ گفت: حالا برایم راحت تر است ولی در نوجوانی و کودکی وقتی برای نخستین بار این داستان را شنیدم و کمی بعد عکس این واقعه را دیدم برایم هولناک بود.

۸. روایت حکم آباد با جمع مشتاق مشروطه گردان و اهالی محله حکم آباد رسیده بود به جایی که نایب یوسف خان با تفنگ سردار ملی یک تیر به قلیان صمد خان شجاع الدوله زد. همه مخاطبان شوری مثل تماشای یک فیلم سینمایی داشتند و حیفشان می‌آمد که چرا نایب یوسف به جای قلیان، گلوله را در مغز صمد خان خالی نکرد!

۹. گردش تمام شد. در اتوبوس نشستیم و به حوزه هنری برمی‌گردیم. سرم را به شیشه اتوبوس چسبانده‌ام و به ستارخان فکر می‌کنم که چطور بیرق‌های امان را از در خانه‌های دوه‌چی و امیرخیز و تبریز درآورد تا هفت دولت زیر بیرق حضرت عباس برود! به نایب یوسف فکر می‌کنم که چرا به جای سر صمد خان، سر قلیان را نشانه گرفت؟! فکر می‌کنم از غیرت و مردانگی نایب یوسف بعید بود که به کسی که در حالت جنگ نیست و با خیال راحت قلیان می‌کشد حمله کند! مشروطه هنوز داستان‌های زیادی دارد که نشنیده‌ایم

”

### اتوبوس مشروطه‌گردی از کوچه‌های

### تاریخی تبریز می‌گذشت تا به محله

### شتربان یا همان دوه‌چی خودمان

### برسد. داخل یکی از کوچه‌های قدیمی

### و پر پیچ و خم، خانه تاریخی علوی که

### امروز موزه سفال نام گرفته در انتظار

### مشروطه‌گردان بود. خانه ساکت و

### دنجی بود و من خیال می‌کردم خانه

### یکی از مجاهدان مشروطه بوده و قرار

### است شرح دلآوری صاحبش را از زبان

### استاد بشنویم. اما کریم میمنت نژاد

### قصه را طور دیگری چیده بود.

“

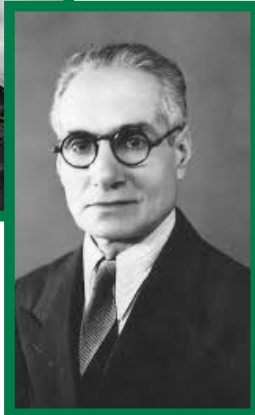
وقتی اعضای گروه در حیاط میهمان چای و انجیرهای درخت حیاط شده بودند؛ به خانه نگاه می‌کردم و خشم مجاهدانه ستارخان را در آجرهایی می‌خواندم که رازدار تاریخ بودند.

۵. حیاط خانه علوی درخت انجیر قشنگی دارد. وقتی حسابی با انجیرهایش از ما پذیرایی شد، اعضای گروه راه افتادند تا به محله حکم آباد در سوی دیگری از تاریخ تبریز برسند. کم کم بین مخاطبان رفاقتی ایجاد شده بود. همین گپ و گفت‌ها و ارتباطات سنگ بنای دوستی را می‌گذارد. خیلی از رفاقت‌ها از همین جا آغاز می‌شود.

۶. حکم آباد محله عجیبی است. برخلاف دوه‌چی که شکل کوی در کوی کهنش را دارد، حکم آباد به واسطه ساختار مبتنی بر شکاوری زمین‌های آزاد زیادی دارد. زمین‌هایی که کم کم غول‌های بتنی با نمای زشت رومیاز دلش سربرآورده است. استاد میمنت نژاد هم به همین نکته اشاره کرد. این ساختمان‌ها می‌شد در جای دیگری ساخته شود ولی خاک غنی و مناسب حکم آباد در هیچ جای دیگر پیدا نمی‌شود.

۷. در پارک نایب یوسف حکم آبادی جمع شدیم. مردم هم کم کم جمع می‌شوند و به صحبت‌های استاد میمنت نژاد گوش می‌کنند. عجیب‌ترین و مهم‌ترین نکته در این روایت، از این جهت است که استاد میمنت نژاد داشت داستان جد اعلایش را تعریف می‌کرد که از دلآوران مشروطه در محله حکم آباد بود. من می‌دانستم که نایب





## خاطرات مرحوم آیتا.. میرزا عبدا... مجتهدی

# بحران آذربایجان

قسمت ۸۴

مدیر روزنامه کسری صحیح و سالم تشریف دارند. رادیوی طهران تا حال کشف نکرده است که مقتول که بوده است؛ اما روزنامه ینی شرق تبریز نوشته بود که کسروی به ضرب تپانچه در طهران مقتول شده است و این اطلاع خود را به مسافری تازه وارد از طهران مستند کرده بود. حادثه قتل کسروی هنوز ثابت نشده. خبر قتل سیاسی دیگری هم نقل شد. شیخ حسین لنگرانی را می‌گویند در طهران به طور ترور به قتل رسانیدند. شیخ حسین وکیل اردبیل در مجلس بود طرفدار قوام و روسها بود این خبر مخصوصا علت ماکیاولیک آن که توأم با خبر نقل می‌شود باید به قید احتیاط تلقی بشود. سفیر ایران در واشنگتن اظهار داشته است که وی منتظر تعلیمات از طرف قوام السلطنه است تا عرض حال ایران را تسلیم شورای امنیت بنماید.

سفیر آمریکا در طهران به دولت ایران اظهار داشته است که آمریکا در قضیه ایران و روس دولت ایران را تقویت خواهد نمود. ایضا خبر می‌رسد که سفیر آمریکا اظهار داشته است که اگر در ظرف بیست و چهار ساعت حکومت ایران آماده بودن خود را به مراجعت به شورای امنیت اثبات ننماید، آن دولت قضیه را به شورا ارجاع می‌نماید. در مقابل این خبر گفته می‌شود که روس‌ها سعی می‌کنند که تا ۲۵ مارس از دولت ایران دعوت نامه برای اقامت قشون خود تحصیل بنمایند شارژ دافر روس به دولت ایران خاطر نشان نموده است که دولت روس مراجعه ایران را به شورای امنیت یک حرکت غیر دوستانه تلقی خواهد نمود.

ادامه دارد

چرچیل گفته است که وی طرفدار آزادی تنگه دارانل است که کشتی‌های روس در حال صلح و جنگ از آن عبور نمایند؛ اما روسیه می‌خواهد در داخل تنگه قلعه بسازد و معنای آن هم سلب آزادی دیگران است. بحث در این مسأله از جمله وظایف مجمع ملل متفق است. این نطق هم در نظر محافل انگلیسی و هم در نظر محافل آمریکایی مقبول افتاده است. مستر چرچیل باز هم در آمریکا نطق خواهد نمود.

سفیر ایران در واشنگتن اظهار داشته است که در شورای امنیت دولت ایران از دولت روس به مناسبت مداخله مأمورین روسیه در امور داخلی ایران شکایت خواهد نمود. از آمریکا خبر می‌رسد که دولت آمریکا از حالا مقدمات مراجعه به شورای امنیت را تهیه نموده است که در صورت منصرف شدن ایران از مراجعه به شورا با قطع نمودن ناگهانی شکایت خود، آن وقت دولت آمریکا قضیه را خودش به دست گرفته و در شورا طرح نماید عرض حال ایران گویا امروز به منشی گری شورای امنیت تسلیم خواهد شد.

وزیران خارجه آمریکا و انگلیس امروزها هر یک نطقی ایراد نموده و به روسیه در ضمن اشاره نموده‌اند. رادیوی طهران امروز خبر داد که آقای زعیمی مدیر روزنامه کسری که به مأموریتی از طرف دولت به مازندران رفته بود به طهران مراجعت نموده است. از این خبر بسیار مهم نشر کردنی که غالب اخبار رادیو طهران هم از آن قبیل است، معلوم می‌شود که حدس ابوالقاسم راجع به هویت مقتول اغتشاشات چند روز پیش طهران صائب نبوده است و آقای



رسول جعفریان

یکشنبه ۲۶ اسفند

چرچیل در مجلس ضیافتی که از طرف بلدی نیویورک برای تجلیل وی بر پا شده بود، نطقی ایراد نمود که به منزله جواب به انتقادات جراید و رادیوهای روسیه و ایضا جواب به انتقادات استالین بود که از نطق سابق چرچیل که در شهر فولتون ایراد نموده بود، به عمل آورده بودند. این نطق خیلی مؤدبانه بود و مبلغی هم تعریف و تمجید از روسیه در آن گنجانده شده بود. معهدا چرچیل در ضمن همین نطق گفته است که از نطق سابق خود یک جمله هم پس نخواهد گرفت و حرف همان است که گفته است. آنچه راجع به اتحاد انگلیس و آمریکا است چرچیل گفته است که وی اتحاد ما بین انگلیس و آمریکا را نخواسته است بلکه بالاتر از آن شرکت برادرانه ما بین دو دولت را خواسته است و اظهار کرده است که وی به این اخوت و شرکت اطمینان دارد که به عمل خواهد آمد؛ چنان که اطمینان دارد که فردا آفتاب طلوع خواهد نمود. راجع به رفتار روسیه در ایران هم گفته است که بعد از ۲ مارس قشون روس در ایران هستند و بیشتر هم شده است. در خصوص فشاری که روسیه به ترکیه وارد می‌نماید،

# طرح ارغوان

۲ ماهه سرمایه خود را ۵/۲ برابر کنید





SPRING CERAMIC & TILES

کاشی و  
سرامیک  
اسپرینگ

تولید کننده سرامیک های اسلب پرسلانی



120x240<sub>cm</sub>

120x120<sub>cm</sub>

80x160<sub>cm</sub>

TEL: 041 34 76 20 90

— www.springtile.ir —